

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبان ها



سطح مقدماتی

# خواندن

دکتر ضیاء تاج الدین







# خواندن

(سطح مقدماتی)

تألیف: دکتر ضیاء تاج الدین



## آموزش فارسی به غیر فارسی زبان ها

تاج الدین، ضیا، ۱۳۴۰  
خواندن (سطح مقدماتی) تألیف ضیا، تاج الدین.  
تهران: کانون زبان ایران ۱۳۸۳  
۸۸صفحه. مصور(رنگی)، جدول.  
آموزش فارسی به غیر فارسی زبان ها

ISBN 964-7747-87-x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.  
۱. فارسی -- کتابهای درسی برای خارجیان  
۲. کتابهای قرانت.  
۳. فارسی -- راهنمای آموزشی -- خارجیان:  
الف. کانون زبان ایران  
ب. عنوان.

۴۴۸/۲۴ PIR ۲۸۲۷/ت۲ خ ۸۸

کتابخانه ملی ایران ۹۹۶۲-۸۳



نام کتاب: خواندن (سطح مقدماتی)

تألیف: دکتر ضیا، تاج الدین

ناشر: کانون زبان ایران

طراح گرافیک: غلامرضا عسگری

طراح جلد: کاظم طلایی

تصویرسازی متن: مجید ذاکری یونسی

تصویرسازی تمرین ها: مریم صاحب الداری، محمد عباسی،

محبوب حبیبوند

سال انتشار: ۱۳۸۳

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: شرکت افست

نشانی: تهران خیابان استاد مطهری خیابان جم (فجر) شماره ۳۷

کد پستی ۱۵۸۹۷۹۳۴۱۳ تلفن ۴-۸۳۰۸۰۳۱

### الف) اهداف تألیف کتاب

کتاب خواندن: سطح مقدماتی یکی از مجموعه کتاب‌های خواندن فارسی است. این مجموعه، شامل چند جلد کتاب برای یادگیری مهارت خواندن فارسی از سطح مبتدی تا پیشرفته است. هدف از تألیف این کتاب، آموزش مهارت خواندن متن‌های فارسی به غیر فارسی زبان‌هاست. این هدف از راه تقویت توانایی درک مطلب و بسط دانش واژگانی و دستوری زبان آموزان دنبال می‌شود. متن‌های کتاب در مورد زندگی روزمره است. این متن‌ها گرچه در بردارنده اسم‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌هایی در ایران است، درونمایه‌ای عام و جهانشمول دارد. از این رو، بار فرهنگی آن‌ها آن قدر ایرانی نیست که پردازششان را از منظر فرهنگی، با دشواری اساسی مواجه سازد.

این کتاب، برای فارسی آموزانی مناسب است که در سطح مبتدی هستند، اما با الفبای فارسی کاملاً آشنایی دارند، و واژه‌ها و دستور پایه فارسی را تا حدی می‌دانند. در وهله نخست، کتاب برای غیر فارسی زبان‌هایی تألیف شده است که فارسی را به مثابه زبان خارجی (در خارج از ایران و کشورهای غیر فارسی زبان) یا زبان دوم (در ایران و کشورهای فارسی زبان) فرا می‌گیرند. اما ایرانیان غیر فارسی زبانی که در خانواده‌ای ایرانی زاده شده‌اند و فقط در خانواده با والدین خود فارسی صحبت می‌کنند، نیز می‌توانند از این کتاب بهره ببرند.

در این کتاب، مهارت خواندن مهارتی مستقل تلقی شده است تا پردازش متن و انجام دادن تمرین‌ها به تسلط بر سایر مهارت‌ها منوط نباشد. از این رو، در فعالیت‌های پس از خواندن متن، حتی الامکان این نکته مد نظر قرار گرفته است. با این همه، می‌توان از متن و پرسش‌های درک مطلب برای فعالیت‌های شنیداری نیز بهره برد. به همین سبب، نوار صوتی و لوح فشرده چند رسانه‌ای نیز برای درس‌های کتاب تهیه شده است.

کتاب خواندن: سطح مقدماتی به دو سبب خودآموز خواندن است و برای یادگیری مهارت خواندن در منزل و به طور مستقل سازمان یافته است. نخست این که بسیاری از غیر فارسی زبان‌هایی که در اطراف و اکناف جهان خواهان یادگیری فارسی هستند، به کلاس آموزش فارسی دسترسی ندارند و نمی‌توانند از مزایای حضور در کلاس‌های آموزش فارسی و تعامل با معلم و سایر زبان آموزان بهره مند شوند. در نتیجه به کتابی در زمینه خواندن فارسی نیاز دارند که یادگیری مستقل این مهارت را در خارج از کلاس میسر سازد. دوم این که تقریباً در هیچ یک از کلاس‌های فارسی، مهارت خواندن به مثابه مهارتی مستقل، تدریس و تقویت نمی‌شود. این کتاب به فارسی آموزان امکان می‌دهد با توجه به توانایی‌ها و فرصت‌های خود به طور مستقل به تقویت مهارت خواندن بپردازند. با این همه، می‌توان با روش تدریس مناسب برای کار کلاسی از کتاب جهت آموزش مستقل مهارت خواندن در کلاس یا آموزش مهارت خواندن به منزله جزئی از آموزش تلفیقی مهارت‌های چهارگانه زبان استفاده کرد.

## ب) بخش‌های کتاب

۱. **متن و فرامتن:** این بخش شامل سه قسمت است: تصویر، عنوان و متن. گنجاندن تصویر از این روست که زبان آموز با نگاه به آن، به شمایی از کل متن یا چند مفهوم برجسته آن دست یابد و با سهولت بیشتری به پردازش متن بپردازد. عنوان نیز به همین منظور در ابتدای متن گنجانده شده است. به طور کلی، تصویر و عنوان، به مثابه اجزای فرامتنی، باید در جهت تسهیل پردازش بالا به پایین مد نظر قرار گیرد.

خود متن بر اساس ملاحظات دستوری، واژگانی، پردازشی، سبکی، گونه‌ای و مضمونی انتخاب شده است. از حیث دستوری، بیشتر متن‌ها شامل جمله‌های ساده است؛ بیشتر جمله‌ها معلوم است؛ و در اکثر آن‌ها زمان حال یا گذشته ساده به کار رفته است. از حیث واژگانی، سعی شده است از واژه‌های پایه و پربسامد در زبان نوشتاری استفاده شود.

از حیث پردازشی، سعی شده است جمله‌ها و نیز کل متن چندان بلند نباشد؛ پیوند کلمه‌ها از طریق اعراب‌گذاری مشخص شود؛ ارتباط مفهومی بین یک جمله و جمله بعدی و در سطح فرامجمعه ملموس باشد؛ و حرکت انتقالی مفاهیم به آرامی صورت گیرد تا پردازش متن تسهیل شود.

از حیث سبکی، متن‌ها آمیزه‌ای از سبک رسمی و غیررسمی (خصوصاً در نقل قول‌ها) است. با این همه، با نگرش به ماهیت نوشتاری متن، زبان رسمی نوشتاری وجه غالب در متن‌هاست. از حیث گونه‌ای، متن‌ها روایی، توضیحی، و توصیفی است.

از حیث مضمونی، متن‌ها در زمینه مضامین اجتماعی روزمره مانند ازدواج، بازدید از خویشاوندان، مهمانی، مسافرت، و تحصیل است. هدف اصلی آن‌ها معرفی جنبه‌های متعالی در زندگی ایرانی مانند بنیان خانواده، رفت و آمد با خویشاوندان، احترام به والدین، ارزش تحصیل و دانش‌اندوزی و یاری به سایر انسان‌هاست.

۲. **درک مطلب:** بخش درک مطلب شامل دو قسمت است. در قسمت اول، چند پرسش همراه با دو گزینه ارائه شده است. این پرسش‌ها در زمینه مفاهیم پایه‌ای پردازشی مانند فهم اطلاعات در سطح جمله، تعبیر جمله و فهم اطلاعات در سطح فرامجمعه است. در این سطح، از طرح پرسش‌هایی در مورد حدس معنای واژه در متن، استنتاج و مفاهیم پیچیده فرامجمعه‌ای اجتناب شده است. در قسمت دوم، چند تصویر در مورد متن ارائه شده است که برخی درست و برخی نادرست است.

۳. **دستور:** در این بخش، یکی از جنبه‌های دستوری متن برجسته شده است. هدف از تدوین این بخش، تمرین یکی از مفاهیم دستوری پایه و نه آموزش آن است. از این رو، ترتیب مفاهیم دستوری در درس‌های گوناگون کتاب ضرورتاً از ساده به دشوار مرتب نشده است. مفاهیم دستوری مورد نظر در این بخش شامل نکته‌های متعددی مانند زمان، صرف افعال، حروف اضافه، ضمایر، و ساختار جمله است. تمرین‌های این بخش تنوع زیادی دارد و زبان آموز به انتخاب تطابق، و در مواردی تولید در حد واژه می‌پردازد.

۴. **واژگان:** در این بخش یکی از جنبه‌های واژگانی متن برجسته شده است. هدف از تدوین این بخش، تمرین یا آموزش واژه‌های مربوط به متن است تا به بسط دانش واژگانی زبان آموز منجر شود. این هدف، از راه‌های متفاوتی مانند آموزش واژه‌های مرتبط به هم از جنبه موقعیتی، آموزش معنای واژه‌ها، و آموزش کاربرد واژه‌ها در جمله تحقق می‌یابد و با

گنجاندن تمرین‌های متنوعی مانند تطابق تصویر با واژه، پرکردن جای خالی، و تطابق واژه با تعریف دنبال می‌شود.

### ج) روش تدریس

چنانچه زبان آموز از این کتاب به طور انفرادی در منزل بهره بگیرد، می‌تواند دستورالعمل‌های هر بخش را دنبال کند. اما برای تدریس آن در کلاس، می‌توان از روش‌های زیر بهره برد و مهارت خواندن را با سایر مهارت‌ها تلفیق کرد. بر این اساس، می‌توان درس را با بحث، گفتگو و تبادل نظر زبان آموزان در مورد مفهوم تصویر و عنوان متن و انتظار آنان از مضمون متن شروع کرد. سپس از زبان آموزان خواست که متن را بخوانند و به پرسش‌های درک مطلب پاسخ دهند. می‌توان همه متن‌های این بخش را با پرسش‌های گفتاری تلفیق کرد تا زبان آموزان خلاصه‌ای از متن را ارائه دهند و در مورد متن پرسش‌هایی را از یکدیگر بپرسند.

نظر به این که این کتاب با نوار و لوح فشرده چند رسانه‌ای همراه است، می‌توان از متن‌ها به مثابه فعالیتی شنیداری بهره گرفت و پس از شنیدن هر متن، به پرسش‌های درک مطلب گوش کرد و به آن‌ها پاسخ داد. تمرین‌های دستوری و واژگانی بیشتر جنبه انفرادی دارد و زبان آموزان می‌توانند آن‌ها را پس از انجام دادن تمرین درک مطلب در کلاس یا در منزل انجام دهند.

ضیاء تاج الدین





## ورود به ایران

هوایما ساعت ۹:۱۵ شب، در فرودگاه مهرآباد تهران بر زمین نشست. زیگموند همراه با سایر مسافران ایرانی و خارجی از هوایما پیاده شد. زیگموند اهل سوئد است. او برای تحصیل در رشته ادبیات فارسی به ایران آمد. زیگموند زبان فارسی را به خوبی صحبت می‌کند. او مدارک خود را به مأموران فرودگاه نشان داد و به پرسش‌های آنها پاسخ داد.

زیگموند با تاکسی فرودگاه به هتل آزادی رفت. او پس از ورود به هتل به بخش اطلاعات آن رفت. زیگموند در اتاقی یک تخته در طبقه سوم هتل اقامت کرد. زیگموند صبح روز بعد، صبحانه را در اتاق خود در هتل خورد. سپس برای ثبت نام به دانشگاه تهران رفت. زیگموند پس از ثبت نام به کتاب‌فروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران رفت. زیگموند از دیدن صدها کتاب‌فروشی در یک خیابان تعجب کرد. او چند کتاب شعر فارسی خرید. زیگموند پس از بازگشت به هتل تا نیمه شب شعر می‌خواند. او از خواندن این شعرها لذت می‌برد.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. زیگموند در تهران چه کرد؟
  - به تماشای میدان آزادی رفت
  - در دانشگاه ثبت نام کرد
۲. در هوایما چه کسانی بودند؟
  - مسافران کشورهای مختلف
  - مسافران سوئدی
۳. زیگموند پس از رسیدن به هتل چه کرد؟
  - صبحانه خورد
  - در اتاقی یک تخته اقامت کرد

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟

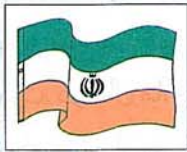




۱. دانشگاه تهران یکی ..... دانشگاه‌های مهم ایران است.
۲. چندین دانشجوی خارجی ..... دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کنند.
۳. مسافران خارجی معمولاً ..... شهرهای اصفهان، شیراز، و کرمان دیدن می‌کنند.
۴. مسافران ..... اتوبوس و هواپیما ..... شهرهای ایران رفتند.
۵. زبان‌های خارجی مانند فرانسه، انگلیسی، روسی، و آلمانی ..... دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شود.
۶. بسیاری ..... کتاب‌فروشی‌های تهران ..... خیابان انقلاب قرار دارد.
۷. مسافران ..... فرودگاه ..... هتل رفتند.

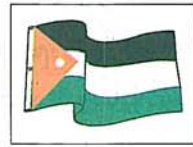
۱) ایران

الف) پرچم .....



ب) خانواده‌های ..... (ج) ..... ها

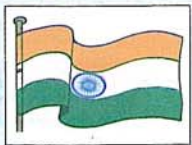
۲) اردن



الف) دانشجوی ..... (ب) مردم ..... (ج) ..... ها

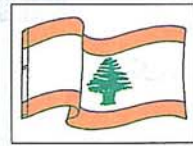
۳) هند

الف) پرچم .....



ب) کشور ..... (ج) خانواده ..... ها

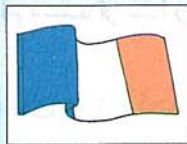
۴) لبنان



الف) پرچم ..... (ب) ..... ها (ج) خانواده ..... ها

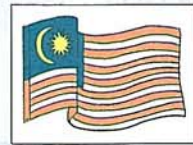
۵) فرانسه

الف) کشور .....



ب) زبان ..... (ج) ..... ها

۶) مالزی



الف) ..... های مسلمان (ب) دولت ..... (ج) دانشجوی .....

۷) مصر

الف) همه ..... ها



ب) مردم ..... (ج) دوست .....

۸) کوبا



الف) رهبر ..... (ب) ..... ها (ج) چند ..... ساکن ایران



## ورود به ایران

هوایما ساعت ۹:۱۵ شب، در فرودگاه مهرآباد تهران بر زمین نشست. زیگموند همراه با سایر مسافران ایرانی و خارجی از هوایما پیاده شد. زیگموند اهل سوئد است. او برای تحصیل در رشته ادبیات فارسی به ایران آمد. زیگموند زبان فارسی را به خوبی صحبت می‌کند. او مدارک خود را به مأموران فرودگاه نشان داد و به پرسش‌های آنها پاسخ داد.

زیگموند با تاکسی فرودگاه به هتل آزادی رفت. او پس از ورود به هتل به بخش اطلاعات آن رفت. زیگموند در اتاقی یک تخته در طبقه سوم هتل اقامت کرد. زیگموند صبح روز بعد، صبحانه را در اتاق خود در هتل خورد. سپس برای ثبت نام به دانشگاه تهران رفت. زیگموند پس از ثبت نام به کتاب‌فروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران رفت. زیگموند از دیدن صدها کتاب‌فروشی در یک خیابان تعجب کرد. او چند کتاب شعر فارسی خرید. زیگموند پس از بازگشت به هتل تا نیمه شب شعر می‌خواند. او از خواندن این شعرها لذت می‌برد.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف در کجای مطالب

۱. زیگموند در تهران چه کرد؟

به تماشای میدان آزادی رفت  در دانشگاه ثبت نام کرد

۲. در هوایما چه کسانی بودند؟

مسافران کشورهای مختلف  مسافران سوئدی

۳. زیگموند پس از رسیدن به هتل چه کرد؟

صبحانه خورد  در اتاقی یک تخته اقامت کرد

کدام شکل درست است  د و کدام یک نادرست  ن است؟



۱. دانشگاه تهران یکی ..... دانشگاه‌های مهم ایران است.
۲. چندین دانشجوی خارجی ..... دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کنند.
۳. مسافران خارجی معمولاً ..... شهرهای اصفهان، شیراز، و کرمان دیدن می‌کنند.
۴. مسافران ..... اتوبوس و هواپیما ..... شهرهای ایران رفتند.
۵. زبان‌های خارجی مانند فرانسه، انگلیسی، روسی، و آلمانی ..... دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شود.
۶. بسیاری ..... کتاب‌فروشی‌های تهران ..... خیابان انقلاب قرار دارد.
۷. مسافران ..... فرودگاه ..... هتل رفتند.

۱) ایران



ب) خانواده‌های ..... (ج) ..... ها

الف) پرچم .....

۲) اردن



الف) دانشجوی ..... (ب) مردم ..... (ج) ..... ها

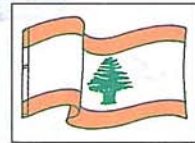
۳) هند



ب) کشور ..... (ج) خانواده ..... ها

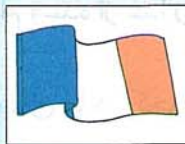
الف) پرچم .....

۴) لبنان



الف) پرچم ..... (ب) ..... ها (ج) خانواده ..... ها

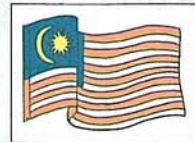
۵) فرانسه



ب) زبان ..... (ج) ..... ها

الف) کشور .....

۶) مالزی



الف) ..... های مسلمان (ب) دولت ..... (ج) دانشجوی .....

۷) مصر



ب) مردم ..... (ج) دوست .....

الف) همه ..... ها

۸) کوبا



الف) رهبر ..... (ب) ..... ها (ج) چند ..... ساکن ایران



## آپارتمان ما

ما در ساختمانی چهار طبقه زندگی می‌کنیم. آپارتمان ما در طبقه سوم آن است. ما با آسانسور رفت و آمد می‌کنیم. خانه ما چند اتاق دارد: هال، دو اتاق خواب، و آشپزخانه. خانه ما دستشویی و حمام دارد. ما در ساختمان، حیاط، پارکینگ، و انباری داریم.

ما بیشتر وقت‌ها در هال می‌نشینیم. ما در هال تلویزیون تماشا می‌کنیم، به رادیو گوش می‌کنیم، با هم حرف می‌زنیم، و ناهار و شام می‌خوریم. بچه‌ها گاهی در هال با هم بازی می‌کنند. شوهرم در هال مطالعه می‌کند. در هال ما دو قالی پهن است. در هال ما، چند پستی و یک دست مبل هم هست. ما بر روی دیوار، چند تابلوی نقاشی گذاشته‌ایم. من آشپزخانه را بیشتر از بقیه اتاق‌ها دوست دارم. ما صبحانه را در آشپزخانه می‌خوریم. در آشپزخانه ما یخچال، فریزر، ماشین لباسشویی، آبگرمکن، میز غذاخوری، و اجاق گاز قرار دارد. در اتاق‌های خواب، وسایل زیادی قرار دارد: تختخواب، قفسه کتاب، کمد، آینه، و کامپیوتر. خانه ما بزرگ نیست، اما راحت است.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. من چه کسی هستم؟  یک زن  یک مرد
۲. ما کدام وعده از غذا را در هال نمی‌خوریم؟  صبحانه  شام
۳. کتاب‌های ما در کجا چیده شده است؟  هال  اتاق خواب

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



آنها در طبقه اول

من در اتاق خواب

شما خانه دو اتاق خوابه

او ظرفها را در آشپزخانه

تو در حمام

ما همسایه های خوبی

زندگی می کنند

دارید

استراحت می کنم

دوش می گیری

داریم

می شوید

پارکینگ ( ) این آپارتمان نسبتاً بزرگ است.



سارا لباسها را در پشت بام ( ) پهن کرد.



من زنگ ( ) طبقه چهارم را زدم.



ما از پلکان ( ) رفت و آمد می کنیم.



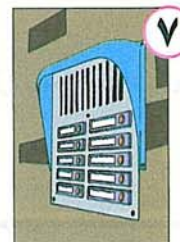
کولر ( ) آنها در روزهای گرم روشن است.



آقای رضایی برای تلویزیون آنتن ( ) خرید.

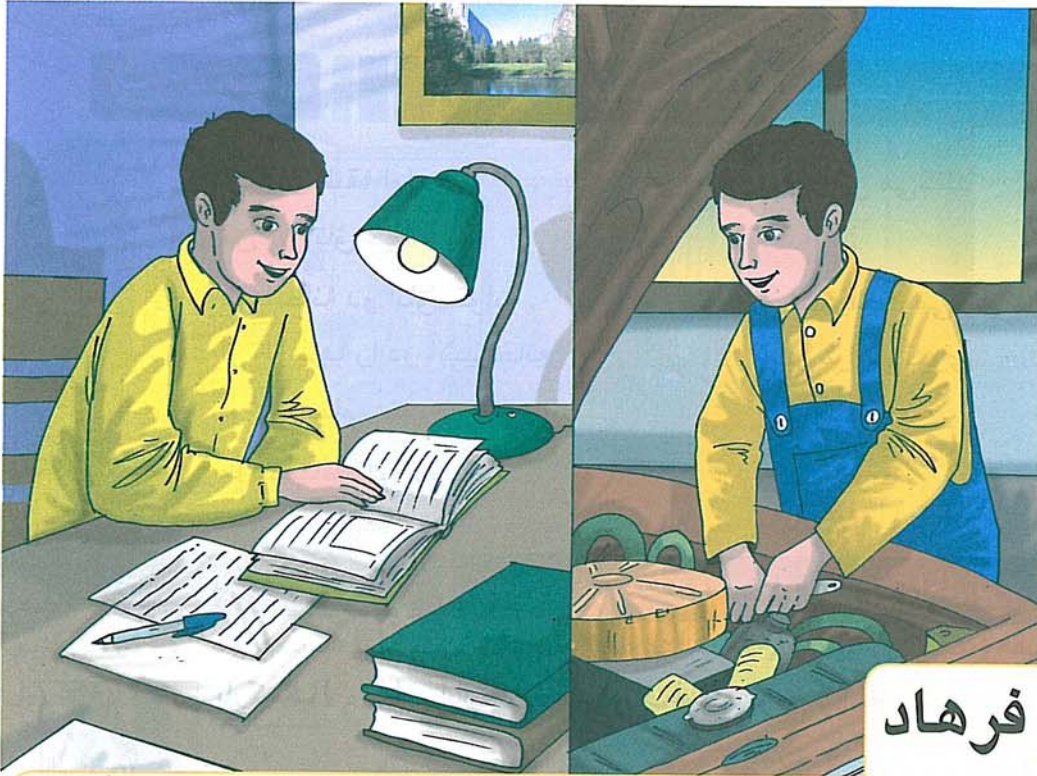


آسانسور ( ) در طبقه سوم ایستاد.



انباری ( ) آنها پر از وسایل غیر ضروری است.





## پرویز و فرهاد

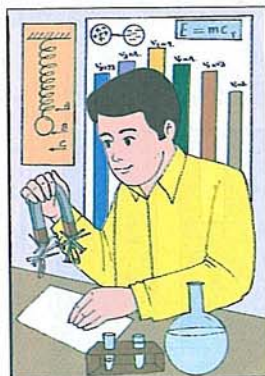
پرویز و فرهاد دو قلو هستند. آنها هجده سال دارند. آنها تقریباً هم قد هستند. رنگ چشم‌های هر دو میشی است. موهای آنها مثل هم صاف است. قیافه آنها خیلی شبیه هم است. لباس آنها هم شبیه هم است. پرویز و فرهاد مثل هم حرف می‌زنند. غذاهای مورد علاقه آنها هم یکی است. با وجود این، پرویز و فرهاد در یک مورد با هم تفاوت دارند. پرویز به درس علاقه زیادی ندارد. او به دبیرستان می‌رود و امسال دیپلم می‌گیرد. پرویز مایل به ادامه تحصیل در دانشگاه نیست. او به کار اداری علاقه ندارد. پرویز به کار آزاد علاقه دارد. او می‌خواهد در کارگاه پدرش کار کند و مکانیک شود. برعکس، فرهاد به ادامه تحصیل علاقه زیادی دارد. او می‌خواهد لیسانس فیزیک بگیرد و در دبیرستان درس بدهد. فرهاد آرزو می‌کند که روزی دبیر شود.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. پرویز و فرهاد در چه مورد با هم تفاوت دارند؟  غذاهای مورد علاقه  ادامه تحصیل
۲. پرویز و فرهاد دانش آموز سال چندم هستند؟  سال آخر دبیرستان  سال سوم دبیرستان
۳. پرویز به چه شغلی علاقه دارد؟  مکانیکی  دبیری

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



با استفاده از «ی»، «ا»، «و» و «ی» کلمه‌های زیر را با هم ترکیب کنید.

**ب** دستور

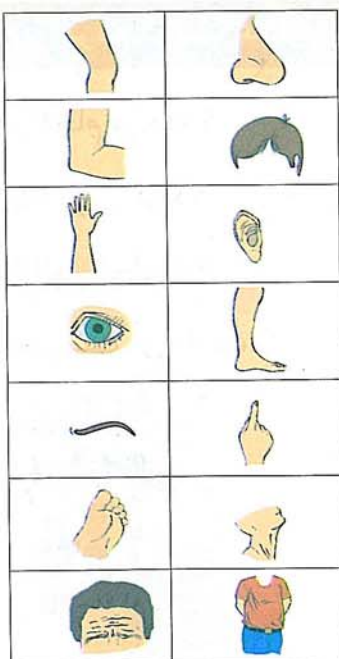
مثال: خانه، ما ▶ خانه ما

۱. چشم‌ها، آبی .....
۲. زیبا، دختر .....
۳. بچه‌ها، دوقلو .....
۴. بلند، چانه .....
۵. شدید، علاقه .....
۶. نازک، ابرو .....
۷. وزن، زیاد .....
۸. صورت، لاغر .....

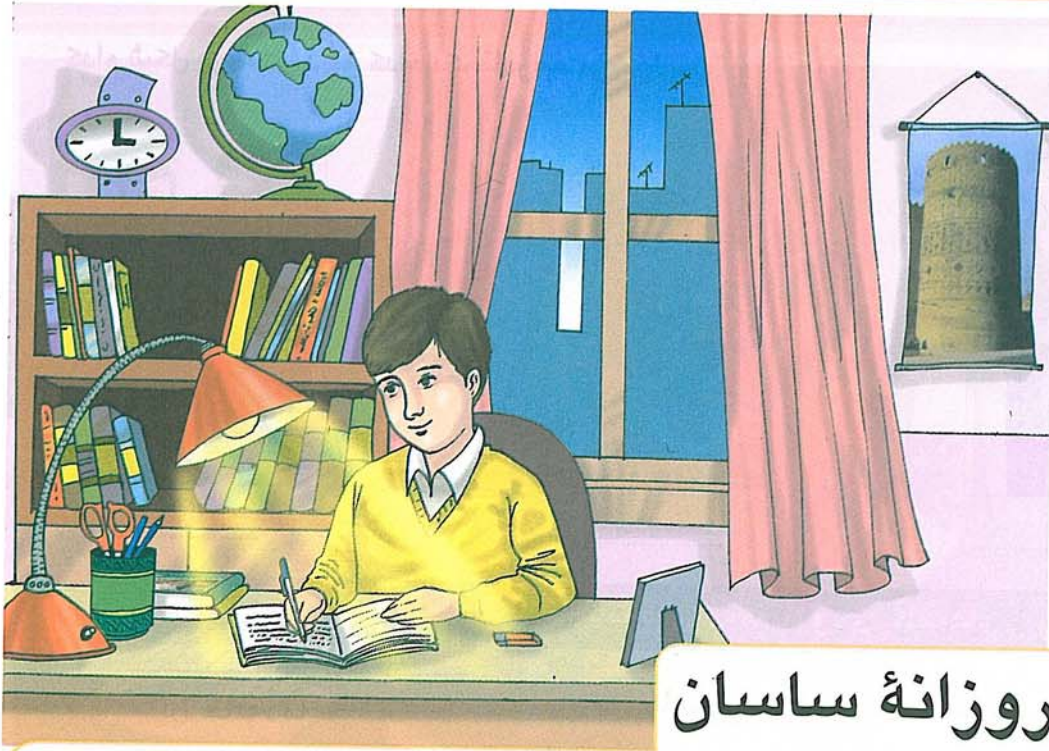
هر کلمه را به عضو مربوط به آن وصل کنید

**پ** واژگان

دست  
زانو  
آرنج  
ابرو  
چشم  
پیشانی  
انگشت پا



مو  
گوش  
بینی  
شکم  
گردن  
پا  
انگشت دست



## کارهای روزانه ساسان

ساسان چهارده سال دارد. او به مدرسه راهنمایی می‌رود. او دانش آموز سال سوم است. ساسان هر روز صبح، ساعت هفت، به مدرسه می‌رود. او با تاکسی به مدرسه می‌رود. کلاس او ساعت هفت و نیم شروع می‌شود. ساسان درس‌های زیادی دارد، مانند تاریخ، جغرافیا، ریاضی، علوم، و تعلیمات دینی. او در زنگ تفریح به حیاط مدرسه می‌رود و با دوستانش بازی می‌کند.

ساسان ساعت یک بعدازظهر به خانه برمی‌گردد. او با مادر و خواهران خود ناهار می‌خورد. بعد از ناهار کمی استراحت می‌کند. سپس تکلیف‌های روز بعد را انجام می‌دهد. ساسان معمولاً ساعت چهار بعدازظهر به نانوائی پدرش می‌رود تا به او کمک کند. ساسان و پدرش ساعت هشت و نیم شب به خانه برمی‌گردند. ساسان بعد از شام، تلویزیون تماشا می‌کند و بقیه تکلیف‌های مدرسه را انجام می‌دهد. او همیشه قبل از ساعت یازده مسواک می‌زند و می‌خوابد.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درستی مطلبی

۱. ساسان چه وقت کارهای مدرسه را انجام می‌دهد؟  بعدازظهر  بعدازظهر و شب
۲. ساسان با چه کسی از سرکار به خانه برمی‌گردد؟  با پدرش  با دوستانش
۳. ساسان معمولاً ساعت شش بعدازظهر کجاست؟  در خانه  در نانوائی

کدام شکل درست است  د و کدام یک نادرست  ن است؟





- ۱- این کارمند هر روز ساعت هشت در اداره است.  
او ..... به موقع به اداره می‌رود.
- ۲- من فقط هفته‌ای سه یا چهار بار با اتوبوس به اداره می‌روم.  
من ..... سوار اتوبوس می‌شوم.
- ۳- شوهر پریسا هفته‌ای چهار یا پنج بار به شرکت خود می‌رود.  
او ..... در آنجا حضور دارد.
- ۴- حسن اصلاً به فیلم علاقه ندارد.  
او ..... به سینما نمی‌رود.
- ۵- دختر خاله‌ام هر هفته فقط دو بار چای درست می‌کند.  
او ..... چای می‌خورد.

همیشه  
اغلب  
گاهی  
به ندرت  
هرگز



می‌مانم

من هر شب مسواک



می‌دهم

من مسئله‌ها را حل



می‌روم

من تکالیف کلاسی را انجام



می‌شوم

من سر کلاس حاضر



می‌کنم

من به معلم احترام



می‌زنم

من ساعت ده شب به رختخواب



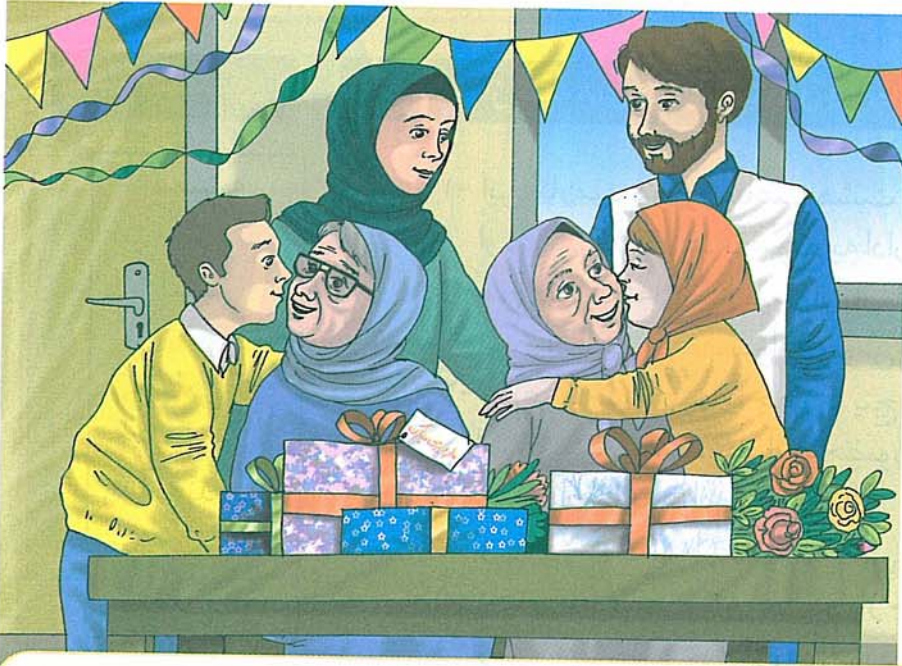
می‌گذارم

من تا ساعت ده شب بیدار



می‌گیرم

من در کلاس از معلم اجازه



## روزِ مادر

روزِ مادر، خیابان‌ها خیلی شلوغ است. مغازه‌ها و فروشگاه‌ها پر از جمعیت است. دخترها و پسرها برای مادرشان هدیه می‌خرند. روزِ مادر، روزِ زن هم هست. به همین دلیل، مردها برای همسرشان هدیه می‌خرند. امروز مهران و آمنه با پدرشان به فروشگاه رفتند. آمنه برای مادرش دامن خرید. مهران برای مادرش روسری خرید. پدر آنها برای همسرش عطر خرید. او برای مادرش و مادرزنش هم پیراهن خرید. مهران، آمنه، و پدر با دست‌های پر از هدیه به خانه بازگشتند.

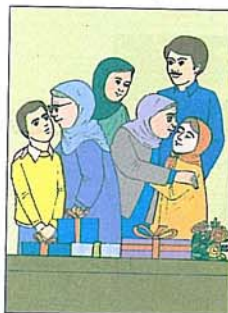
شب، همه دور هم جمع شدند: مهران، آمنه، پدر و مادر آنها، و مادر بزرگ‌ها. مهران و آمنه دامن و روسری را به مادرشان هدیه دادند. آنها روزِ مادر را به او تبریک گفتند. پدر مهران پیراهن‌ها را به مادرش و مادرزنش داد و به آنها تبریک گفت. عطر را هم به همسرش داد. او روزِ زن را به همسرش تبریک گفت. مهران و آمنه، مادر و مادر بزرگ‌های خود را بوسیدند.

در مربع درست علامتِ ضربدر بگذارید.

الف درکِ مطلب

۱. چه کسی برای خریدنِ هدیه‌ها به بازار نرفت؟  
 پدر       مادر
۲. کدام هدیه برای روزِ زن بود؟  
 عطر       روسری
۳. پدرِ مهران به چه کسی هدیه داد؟  
 به مادرِ زنِ خود       به مادرِ بزرگِ خود

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



مثال: امروز روز مادر است.

۱. دیشب مادر فاطمه خوشحال .....
۲. الان والدین من در خانه .....
۳. پدر! تو خیلی مهربان .....
۴. من پارسال یک ماه در ایران .....
۵. روز مادر روز مهمی .....
۶. من و همسرم صبح‌ها سرکار .....
۷. پدرم! مادرم! شما بهترین دوستان من .....
۸. ما دیشب در منزل یک خانواده ایرانی .....

تصویرهای زیر مربوط به برخی از روزهای مهم در ایران است. شماره مربوط به هر روز را در زیر شکل مناسب بنویسید.



.....



.....



.....

۱. عید نوروز

۲. سیزده بدر

۳. عاشورا



.....



.....



.....

۴. عید قربان

۵. سالگرد انقلاب اسلامی

۶. روز پدر



.....



.....

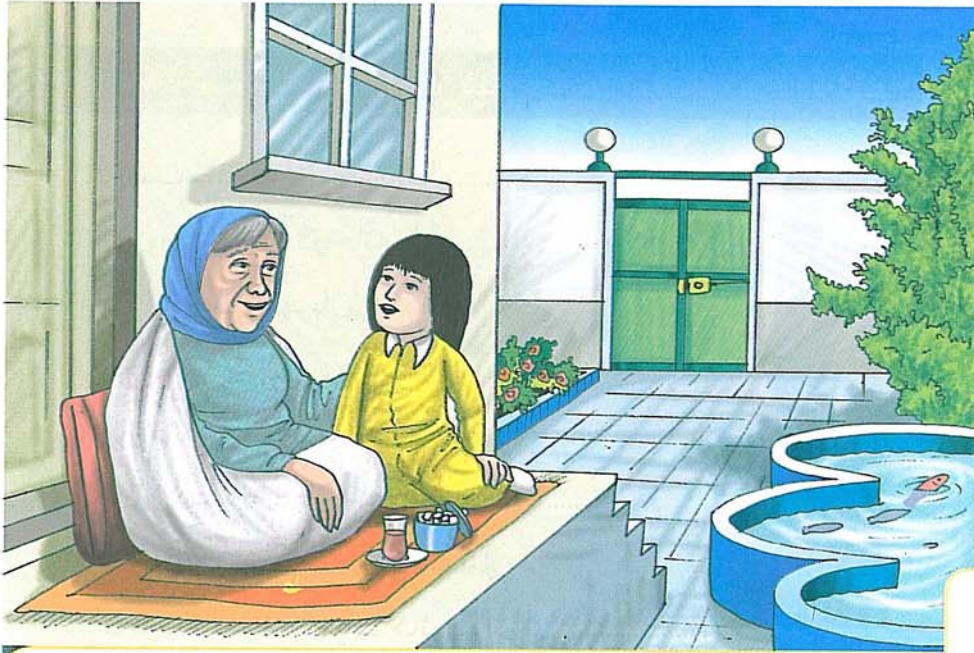


.....

۷. روز مادر

۸. روز مبعث

۹. روز دانشجو



## خانه ما

من ده سال پیش با رضا ازدواج کردم. آن موقع، ما مستأجر بودیم. رضا کارمند اداره بود. من معلم ابتدایی بودم. ما سالها مقداری از حقوق خود را پس انداز کردیم. ما امسال توانستیم خانه‌ای بخریم. اکنون من، رضا، مادر رضا، و دخترم شیرین در خانه خودمان زندگی می‌کنیم. خانه ما یک هال، یک آشپزخانه، و دو اتاق خواب دارد. خانه ما حیاط کوچکی هم دارد. در حیاط ما یک باغچه، یک حوض، و چند گل‌دان است. شیرین و مادر بزرگش گاهی در حیاط می‌نشینند. مادر بزرگ برای او قصه می‌گوید. درون حوض چند ماهی قرمز است. شیرین با ماهی‌ها بازی می‌کند. ما در کارها به هم کمک می‌کنیم. مادر بزرگ در پختن غذا به من کمک می‌کند. شیرین در شستن ظرف‌ها به من کمک می‌کند. شوهرم خرید خانه را انجام می‌دهد. ما خانه جدیدمان را خیلی دوست داریم.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف در کجای مطالب

۱. چه کسی در کارهای داخل خانه به من کمک می‌کند؟  شوهرم و دخترم  مادر شوهرم و دخترم
۲. خانه ما چه دارد؟  دو اتاق  یک حیاط
۳. من و رضا چند فرزند داریم؟  یک فرزند  دو فرزند

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟

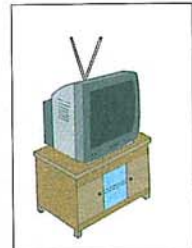
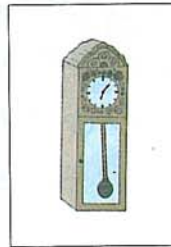


**مثال:** من در خریدن (می خرم) خانه عجله کردم.

۱. رضا از ..... (می بیند) همسرش خوشحال شد.
۲. مادرم در ..... (می پزد) آش مهارت دارد.
۳. فاطمه برای ..... (می رود) به خانه جدید آماده است.
۴. ما با ..... (می سازیم) خانه ای کوچک صاحبخانه شدیم.
۵. .... (می دوزد) پرده برای اتاقها وقت او را گرفت.
۶. .... (می چینند) اثاث در خانه جدید برای آنها خسته کننده بود.

شماره کلمه درست را در جای خالی بنویسید.

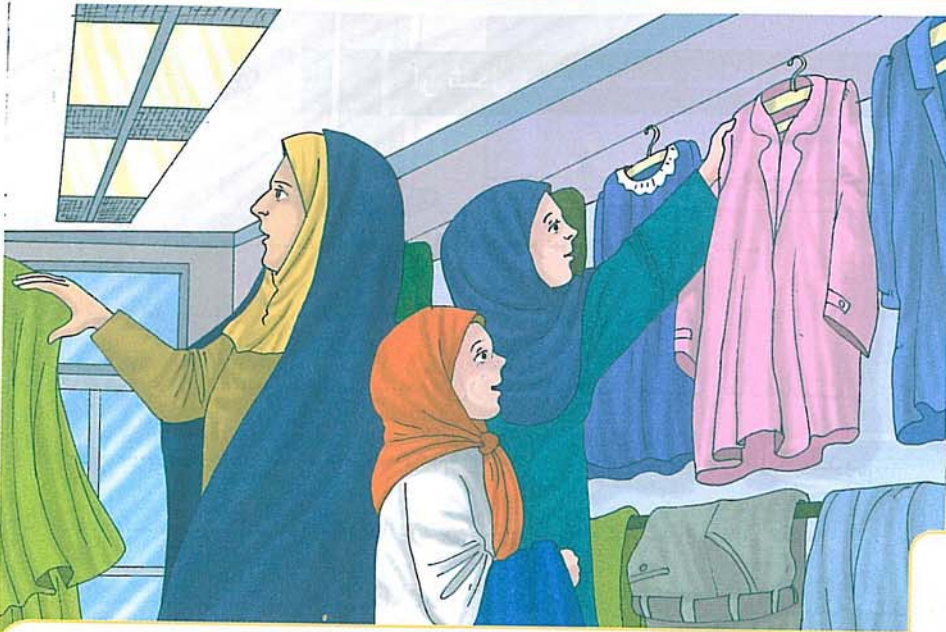
- ۱- ماشین لباسشویی ۲- ساعت دیواری ۳- میز تلویزیون ۴- میز غذاخوری ۵- رادیو ضبط ۶- پستی
- ۷- جاروبرقی ۸- مبل ۹- تختخواب ۱۰- رخت آویز ۱۱- ویدئو ۱۲- قالی



۱. یک دستگاه تلویزیون رنگی بر روی ..... است.
۲. .... خیلی قدیمی است.
۳. .... و ..... در آشپزخانه است.
۴. در حال، یک دست .....، دو ..... دوازده متری، و چند ..... است.



۵. مایک ..... استریو و یک ..... آیواداریم.
۶. پری مانتوی خود را از ..... برداشت و پوشید.
۷. یک ..... دو نفره در اتاق خواب است.
۸. من اتاقها را با ..... تمیز کردم.



## لباس نو

روزهای آخر تابستان بود. سال تحصیلی جدید نزدیک می‌شد. من و خواهرم سارا خوشحال بودیم. من به کلاس دوم دبیرستان می‌رفتم. سارا وارد سال دوم دانشگاه می‌شد. من و سارا به لباس نو احتیاج داشتیم. مادرم ما را به بازار برد تا لباس نو بخریم. اول به فروشگاه پوشاک رفتیم. من یک مانتوی سرمه‌ای و یک مقنعه خریدم. خواهرم یک مانتوی کرم خرید. خواهرم یک شلوار مشکی هم خرید. او می‌خواست کاپشن هم بخرد، اما نتوانست کاپشن دلخواه خود را انتخاب کند. ما از فروشگاه پوشاک به کفش‌فروشی رفتیم. من یک جفت کفش ورزشی خریدم. خواهرم یک جفت پوتین زنانه خرید. ما موقع برگشتن به خانه به میوه‌فروشی رفتیم. مادرم چند کیلو انگور و سیب خرید. بعد به خانه برگشتیم. من و سارا یک بار دیگر لباس‌ها را در خانه پوشیدیم. من از خرید خود راضی بودم، اما پوتین سارا کمی تنگ بود.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. خواهرم در خرید چه چیزی کاملاً دقت نکرد؟  کفش  کاپشن
۲. ما چرا کفش و لباس نو خریدیم؟  برای سال نو  برای سال تحصیلی جدید
۳. مادرم چه چیزی خرید؟  میوه  پوتین زنانه

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



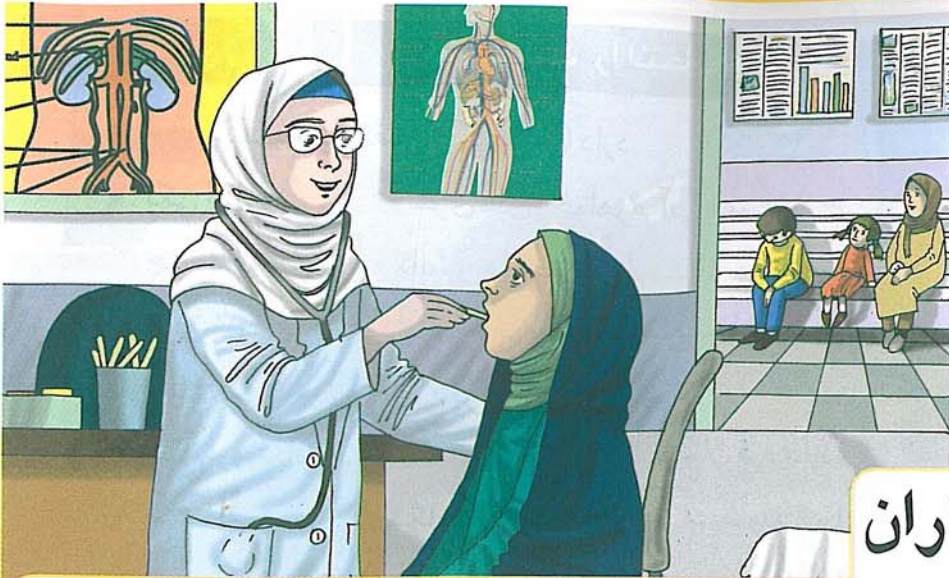
۱. آرزو چند جفت (کفش - کفش‌ها) دارد.  
.....
۲. یکی از (روسری - روسری‌های) خواهرم آبی است.  
.....
۳. چند تا از (کاپشن - کاپشن‌ها) خارجی است.  
.....
۴. فروشنده تعدادی (دامن - دامن‌ها) رابه من نشان داد.  
.....
۵. مادرم دو کیلو (پرتقال - پرتقال‌ها) خرید.  
.....
۶. چند (فروشگاه - فروشگاه‌های) بزرگ در این خیابان قرار دارد.  
.....
۷. همهٔ (دانشگاه - دانشگاه‌ها) از اوّل مهر باز می‌شوند.  
.....
۸. ابراهیم دو دست (لباس - لباس‌ها) دارد.  
.....

با توجه به شمارهٔ هر لباس، از کلمه‌های زیر در جاهای خالی استفاده کنید.

پالتو شلوار جوراب	کفش کاپشن روسری	کمر بند دستکش مانتو	مقنعه کلاه کراوات	بلوز پیراهن	دامن کت
-------------------------	-----------------------	---------------------------	-------------------------	----------------	------------

۱ 	۲ 	۳ 	۴ 
۵ 	۶ 	۷ 	۸ 
۹ 	۱۰ 	۱۱ 	۱۲ 
۱۳ 	۱۴ 	۱۵ 	۱۶ 

۱. پسر دو دست (۳) و ..... و (۴) ..... و یک (۱۶) ..... دارد.
۲. آزاده برای مدرسه (۱۰) ..... و (۱۲) ..... سبز خرید.
۳. مردم در روزهای سرد (۷) ..... یا (۱۵) ..... می‌پوشند.
۴. این (۱) ..... خیلی گشاد است.
۵. او (۱۴) ..... کتیف خود را از تن درآورد.
۶. خانم مرادی بعد از مهمانی (۸) ..... و (۶) ..... نو را درآورد.
۷. هدیهٔ پدرم در روز مادر یک جفت (۲) ..... زنانه و یک (۱۱) ..... آبی بود.
۸. آنها هیچ وقت (۱۳) ..... نمی‌زنند و (۹) ..... بر سر نمی‌گذارند.



## پزشک و بیماران

خانم دانا پزشک عمومی است. او روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، و پنجشنبه کار می‌کند. او جمعه کار نمی‌کند. جمعه روز تعطیل است. خانم دانا صبح‌ها به بیمارستان می‌رود. او بیماران زیادی را معاینه می‌کند.

خانم دانا ساعت یک بعد از ظهر به خانه برمی‌گردد. او با پدر، مادر، و برادرش ناهار می‌خورد. او بعد از ناهار کمی استراحت می‌کند. او ساعت چهار بعد از ظهر به مطب خود می‌رود. در مطب او یک منشی کار می‌کند. منشی نام بیماران را در دفتر می‌نویسد. او بیماران را به نوبت از اتاق انتظار به داخل مطب می‌فرستد. خانم دانا به دقت به حرف بیماران گوش می‌کند. آنها برای بیماری‌های مختلف به ملاقات او می‌آیند: سرماخوردگی، دل درد، سر درد، تب و مانند اینها. خانم دانا نسخه‌ای می‌نویسد تا آنها را معالجه کند. خانم دانا هر شب خسته به خانه برمی‌گردد، اما کار خود را دوست دارد. مردم به دکتر دانا احترام می‌گذارند.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درستی مطلب

۱. خانم دانا چند روز در هفته کار نمی‌کند؟  یک روز  دو روز
۲. بیماران چه وقت با خانم دانا ملاقات می‌کنند؟  صبح  صبح و عصر
۳. خانم دانا قبل از رفتن به مطب چه می‌کند؟  استراحت می‌کند  با منشی خود ناهار می‌خورد

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟





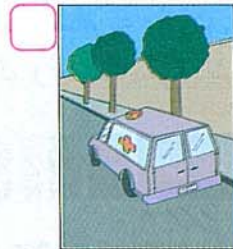
- ..... ۱. پرستار لباس سفیدی پوشید.
- ..... ۲. مادرم باید داروها را به موقع بخورد.
- ..... ۳. من و مهران به بیمارستان رفتیم.
- ..... ۴. مردم به پزشکها احترام می گذارند.
- ..... ۵. این دو بیمار در بیمارستان بستری شدند.
- ..... ۶. من دارو را از داروخانه خریدم.
- ..... ۷. من فردا به ملاقات تو و فاطمه می آیم.
- ..... ۸. پزشکها بسیاری از بیماریها را درمان می کنند.

ما  
شما  
او  
آنها  
آن



۱. راننده در تصادف زخمی شد.

۲. بیمار را با آمبولانس به بیمارستان بردند.



۳. بیمار در بیمارستان بستری شد.

۴. پزشک، بیمار را مرخص کرد.



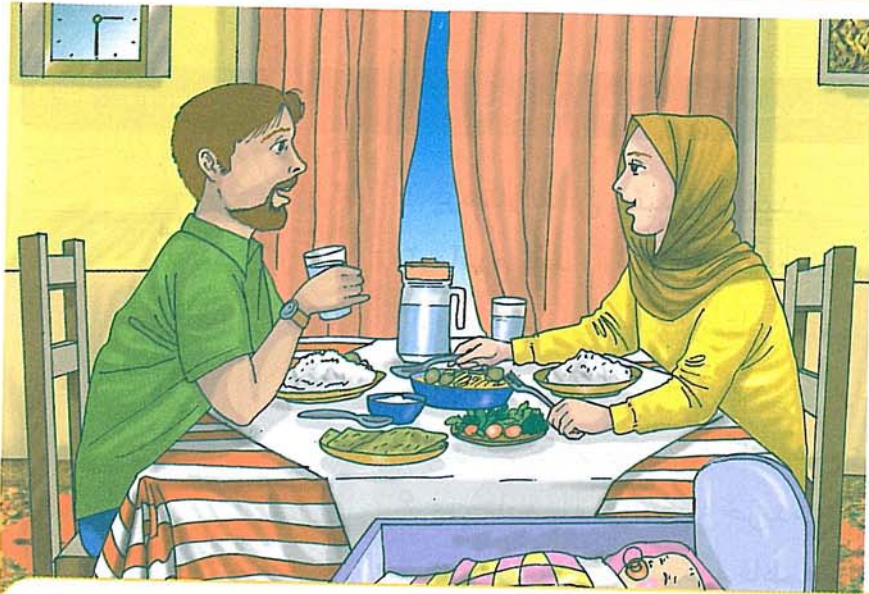
۵. بیمار نسخه پزشک را به داروخانه برد.

۶. پرستار از بیمار مراقبت کرد.



۷. بیمار چند روز در خانه استراحت کرد.

۸. عمل جراحی چند ساعت طول کشید.



## زن خانه دار

پروین متأهل است. او لیسانس تاریخ دارد، اما شاغل نیست. پروین با شوهر و دخترش زندگی می‌کند. خانه آنها در محله‌ای قدیمی در شهر تبریز است. پروین هر روز کارهای زیادی انجام می‌دهد. او امروز هم کارهای زیادی انجام داد.

پروین ساعت شش صبح بیدار شد. ابتدا وضو گرفت و نماز خواند. بعد، چای درست کرد، و سفره صبحانه را پهن کرد. او با شوهرش صبحانه خورد. شوهرش از او خداحافظی کرد و به سر کار رفت. پروین ظرف‌های صبحانه را شست. بعد به دختر پنج ماهه‌اش شیر داد. پروین ساعت هشت به سبزی فروشی رفت. او یک کیلو سبزی تازه خرید. سبزی را به منزل آورد و تمیز کرد. ناهار پخت: برنج و خورشید بادنجان. پروین چند ساعت مطالعه کرد. او مشغول خواندن کتابی درباره تاریخ ایران است. ساعت سه بعد از ظهر زنگ در به صدا درآمد. شوهر پروین از سر کار برگشت. او با نایلون میوه وارد شد. آنها با هم ناهار خوردند. عصر، پروین همراه با دختر و شوهرش برای خرید به بازار رفت. پروین یک دامن خرید. شوهرش یک جفت کفش نو خرید. آنها شام را در منزل پدر و مادر پروین خوردند. پروین بعد از شام به مادرش کمک کرد. او همه ظرف‌ها را شست. الان ساعت یازده شب است. پروین یک روز پر کار دیگر را پشت سر گذاشت.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. پروین قبل از ناهار چه کاری انجام داد؟  مطالعه کرد  به مادرش کمک کرد
۲. پروین با چه کسی زندگی می‌کند؟  با شوهر و فرزندش  با والدینش
۳. شوهر پروین کدام کار را قبل از ناهار انجام داد؟  پاک کردن سبزی  خریدن میوه

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



مسافرت می کند  
زایمان کرد  
صحبت کرد  
زخمی شدند  
کار می کنیم  
تشکر کردند

از صاحبخانه  
در یک هتل بزرگ  
بر اثر تصادف  
در بیمارستان  
دربار حقوق کارگران  
با ماشین شخصی

زن حامله  
مهمانها  
من و خواهرم  
امیر و رضا  
پروین  
مدیر کارخانه

با گذاشتن شماره در جلوی کلمه مشخص کنید که کدام یک از کارها در شکل آمده است.

۴



۱



جارو کردن

غذا پختن

سفره را پهن کردن

چای دم کردن

۵



۲



حمام کردن

ظرفها را شستن

از مهمان پذیرایی کردن

۶



۳



مطالعه کردن

تلویزیون تماشا کردن

به گلها آب دادن



## مهمانی خانوادگی

آقای موسوی و خانواده‌اش علاقه دارند با بستگان و دوستان خود رفت و آمد کنند. آنها گاهی بستگان و دوستان خود را برای شام دعوت می‌کنند. امروز پنجشنبه است. آنها امشب مهمان دارند. برادر آقای موسوی و خانواده‌اش مهمان آنها هستند.

همه اعضای خانواده موسوی مشغول کار هستند. خانم موسوی در آشپزخانه است. او برنج و قورمه سبزی درست می‌کند. آقای موسوی اتاق را مرتب می‌کند. مینا سالاد درست می‌کند. مهران میوه‌ها را در ظرف می‌چیند و کاردهای میوه‌خوری را تمیز می‌کند.

ساعت هشت شب مهمان‌ها وارد می‌شوند: برادر آقای موسوی، همسرش، و فرزندان آنها به نام‌های فرزانه، فریبا، و فرخنده. آقای موسوی با برادرش احوال‌پرسی و روبوسی می‌کند. او به بقیه مهمان‌ها خوشامد می‌گوید. خانم موسوی با مهمان‌ها احوال‌پرسی می‌کند. مینا و مهران سفره شام را می‌چینند. بعد از شام دو خانواده سرگرم صحبت می‌شوند. خانم موسوی میوه‌ها را به مهمان‌ها تعارف می‌کند: «بفرمایید، میل کنید. خواهش می‌کنم بفرمایید.» مهمانی ساعت ۱۲ شب به پایان می‌رسد. قرار است آقای موسوی و خانواده‌اش شب جمعه آینده به خانه برادرش بروند. آنها قرار است شام آنجا باشند.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

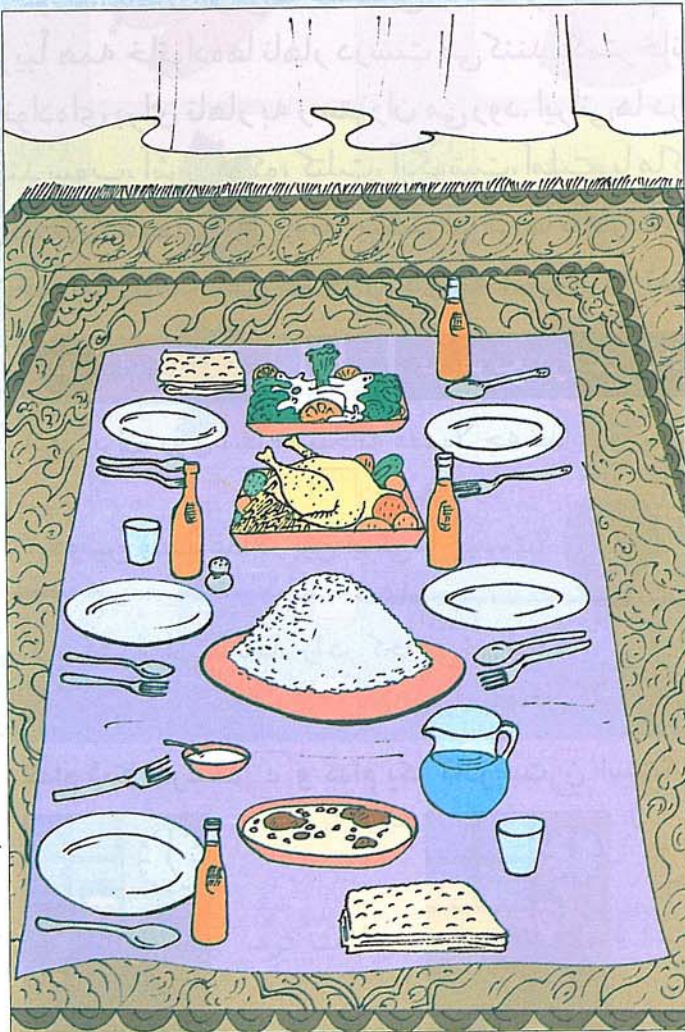
الف درک مطلب

۱. دختر آقای موسوی در چه کاری کمک کرد؟  چیدن سفره  شستن میوه‌ها
۲. مهمان آقای موسوی چه کسی بود؟  یکی از بستگان خانم موسوی  عموی مهران و خانواده‌اش
۳. آقای موسوی کدام کار را انجام نداد؟  مرتب کردن اتاق  روبوسی با برادرزاده‌هایش

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



۱. مادرم سفرهٔ شام ..... پهن کرد.
۲. خانم رضوی امشب چند مهمان ..... دارد.
۳. او همکارانش ..... به شام دعوت کرد.
۴. من هر روز یک نوشابه ..... می خورم.
۵. مهمانها بعد از غذا خدا ..... شکر کردند.
۶. لילה هر روز پنج بار نماز ..... می خواند.
۷. ما غذا ..... با قاشق و چنگال می خوریم.
۸. دخترم خانهٔ بزرگی ..... در شمال تهران دارد.



- ..... سفره
- ..... نمکدان
- ..... قاشق
- ..... چنگال
- ..... قندان
- ..... استکان
- ..... نعلبکی
- ..... فنجان
- ..... پارچ
- ..... کارد
- ..... لیوان
- ..... قوری
- ..... سماور
- ..... کتری
- ..... نوشابه



## غذاهای روزانه

مردم دنیا معمولاً هر روز سه وعده غذایی می‌خورند. ایرانی‌ها هم مانند آنها سه وعده غذایی می‌خورند: صبحانه، ناهار، و شام. صبحانه غذایی است که مردم صبح‌ها می‌خورند. صبحانه بیشتر ایرانی‌ها نان، پنیر، و چای است. بعضی از ایرانی‌ها کره، مربا، عسل، شیر یا خامه می‌خورند. ایرانی‌ها هنگام ظهر ناهار می‌خورند. بیشتر ایرانی‌ها در خانه ناهار می‌خورند. بعضی از آنها هم در محل کار ناهار می‌خورند. ناهار ایرانی‌ها غذاهایی مانند برنج با خورش، برنج با کباب، آبگوشت، یا آش است. تقریباً همه خانواده‌ها ناهار درست می‌کنند. کمتر خانواده‌ای از غذای آماده استفاده می‌کند. کمتر خانواده‌ای برای ناهار به رستوران می‌رود. ایرانی‌ها در شب شام می‌خورند. شام ایرانی‌ها غذاهایی مانند سوپ، آش، کوکو، کتلت، آبگوشت، املت، یا ماکارونی است. ایرانی‌ها گاهی موقع شام مهمان دارند یا به مهمانی می‌روند. بیشتر ایرانی‌ها ناهار یا شام خود را با ماست، سبزی، ترشی، یا سالاد می‌خورند. زنان ایرانی علاقه زیادی به آشپزی دارند. آنها غذاهای خوشمزه درست می‌کنند.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف **توجه** مطالب

۱. در ایران، روی سفره صبحانه معمولاً چه غذایی وجود دارد؟

پنیر

خامه

۲. دومین وعده غذا در بین ایرانی‌ها چیست؟

ناهار

شام

۳. بیشتر ایرانی‌ها ناهار را در کجا می‌خورند؟

در محل کار یا رستوران

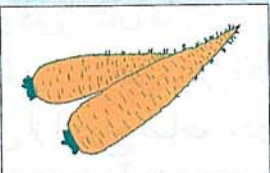

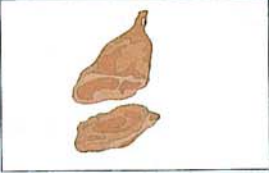
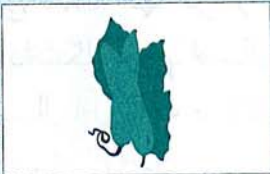




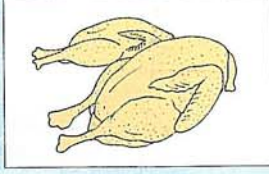


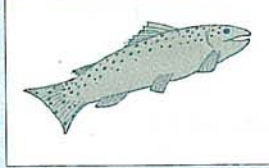
در منزل یا محل کار

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



.....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....  
 .....

۱. آشپزخانه، هستند، در، آنها
۲. غذای، آبگوشت، است، ایرانی
۳. خانه، من، این، است، مال
۴. مهمان، آنها، بودند، ما
۵. خوشمزه، شما، بود، غذای
۶. آش، بود، گرم، خیلی
۷. ایرانی، همه، هستید، شما
۸. تشنه، تو، بودی، گرسنه، و

(۹)		(۵)		(۱)	
(۱۰)		(۶)		(۲)	
(۱۱)		(۷)		(۳)	
(۱۲)		(۸)		(۴)	

۱. آقای مرادی نیم کیلو **گوشت قرمز** ( ) برای آبگوشت خرید.
۲. مغازه دار **مرغها** ( ) را با ترازو کشید.
۳. پروانه با **کاهو** ( )، **خیار** ( )، **هویج** ( )، و **گوجه** ( ) سالاد درست کرد.
۴. من سطل **ماست** ( ) را در یخچال گذاشتم.
۵. این خانم خانه دار برای هر بسته **ماکارونی** ( ) چهارصد تومان پرداخت کرد.
۶. خواهرم یک شیشه **شیر** ( ) و یک بسته **پنیر** ( ) خرید.
۷. آنها همیشه از **برنج** ( ) ایرانی استفاده می کنند.
۸. مشتری دو کیلو **ماهی** ( ) تازه خرید و آن را در نایلون گذاشت.



## دوستِ قدیمی من

زهرا قربانی، دوستِ قدیمی من است. ما بیست سال پیش با هم آشنا شدیم. آن موقع من و زهرا ده ساله بودیم. زهرا در همسایگی ما زندگی می‌کرد. من و زهرا با هم به مدرسهٔ ابتدایی می‌رفتیم. مدرسهٔ راهنمایی و دبیرستان ما هم یکی بود. من بعد از دیپلم ازدواج کردم. من و همسرم به شهر دیگری رفتیم. من و زهرا دیگر یکدیگر را ملاقات نکردیم.

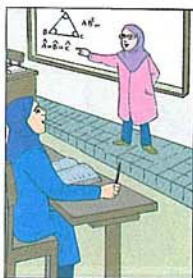
من پس از ازدواج صاحب دو فرزند شدم. دختر من دانش آموزِ اولِ راهنمایی است. پسر من دانش آموزِ دوم ابتدایی است. آنها هر دو شاگردِ اول هستند. آنها به درس و مدرسه علاقه دارند. من هم تصمیم گرفتم به دانشگاه بروم. امسال در امتحان کنکور شرکت کردم. من در رشتهٔ ریاضی قبول شدم. دیروز برنامه نیمسال اول را به ما اعلان کردند. نام استادهای خود را خواندم. اولین کلاس ما با این استاد بود: دکتر زهرا قربانی. اکنون من و زهرا سی ساله هستیم. دکتر زهرا قربانی استاد دانشگاه است. من دانشجویِ سال اولِ رشتهٔ ریاضی هستم.

در مربعِ درست علامتِ ضربدر بگذارید.

الف درکِ مطلب

۱. من و زهرا در مدرسه چه رابطه‌ای داشتیم؟  همکلاس بودیم  معلم و شاگرد بودیم
۲. من چه موقع از زهرا جدا شدم؟  بعد از ازدواج  از ده سالگی
۳. من چرا به دانشگاه رفتم؟  برای دیدن زهرا  برای تحصیل

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟





۱. امروز، روز (دو، دوم) مهر است.
۲. دوره دبیرستان (چهار، چهارم) سال طول می کشد.
۳. دانشجویان ساعت (هشت، هشتم) صبح به کلاس رفتند.
۴. محمد (ده، دهم) سال دارد.
۵. من در (بیست و پنج، بیست و پنجم) سالگی از دانشگاه فارغ التحصیل شدم.
۶. فرزند (یک، اول) مریم دیروز به دنیا آمد.
۷. این بار (سه، سوم) است که به ایران می روم.
۸. او در درس ریاضی نمره (یازده، یازدهم) گرفت.

شرکت

تنبل

دوره

تجدید

مردود

زرتنگ

فارغ التحصیل

قبول



۵- فرهاد دانشجویی ..... است.



۱- میترا در درس علوم ..... شد.



۶- رویا در امتحان فوق لیسانس ..... نشد.



۲- دانش آموزان در امتحان نهایی ..... کردند.



۷- برادرم سال گذشته از دانشگاه هنر ..... شد.



۳- رضا با معدل ۸/۲۵ در امتحان نوبت اول ..... شد.



۸- دخترخاله ام دانشجویی بسیار ..... است.



۴- دوستم دانشجویی ..... دکترای زبان شناسی است.



## ماه‌ها و فصل‌های سال

هر سال چهار فصل دارد. هر فصل سه ماه دارد. فصل‌های سال، بهار، تابستان، پاییز، و زمستان است. بهار اولین فصل سال است. بهار سه ماه دارد: فروردین، اردیبهشت، و خرداد. هر ماه بهار ۳۱ روز است. من فصل بهار را دوست دارم. فصل بهار خیلی زیباست. همه درختان سبز هستند و هوا خنک است. امتحانات نهایی دانش‌جویان و دانش آموزان ایرانی معمولاً در خرداد برگزار می‌شود. بعد مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها تعطیل می‌شود. تابستان دومین فصل سال است. تابستان سه ماه دارد: تیر، مرداد، و شهریور. هر ماه تابستان ۳۱ روز است. تابستان فصل گرم سال است. مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها در تابستان تعطیل است. بعضی از مردم ایران در این فصل به مسافرت می‌روند. پاییز سومین فصل سال است. پاییز سه ماه دارد: مهر، آبان، و آذر. هر ماه پاییز ۳۰ روز است. روز اول مهر مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها باز می‌شود. هوای پاییز کمی سرد است و باران می‌بارد. برگ درختان در پاییز می‌ریزد. زمستان آخرین فصل سال است. زمستان سه ماه دارد: دی، بهمن، و اسفند. هر ماه زمستان ۳۰ روز است. ماه اسفند گاهی ۲۹ روز است. هوا در زمستان سرد است و در بعضی جاها برف می‌بارد.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف دروغ مطالب

۱. فصل آخر سال چه نام دارد؟

زمستان

اسفند

۲. ماه‌های کدام فصل ۳۱ روز دارد؟

تابستان و پاییز

بهار و تابستان

۳. امتحان نهایی مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها معمول چه موقع برگزار می‌شود؟

در ماه آخر تابستان

در ماه آخر بهار

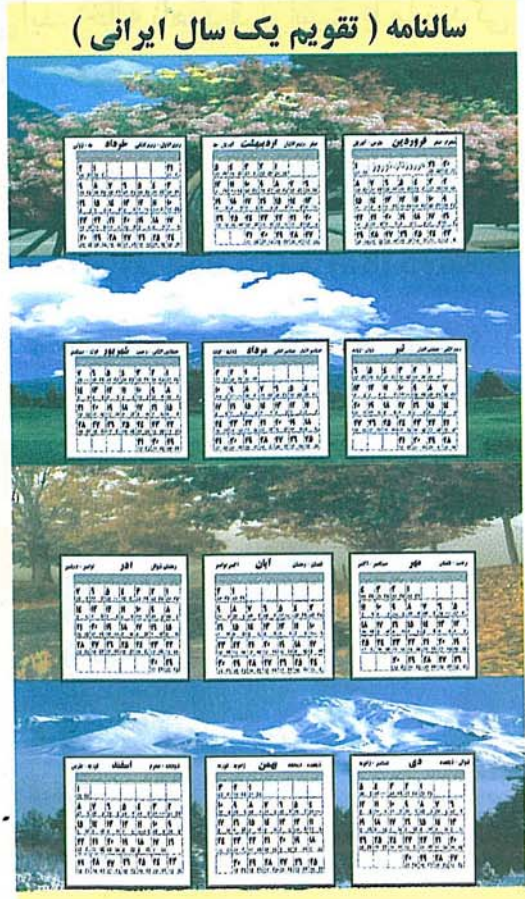
کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



با علامتِ ✓ مشخص کنید کدام فعل درست است.

دارد	است	در هفته هفت روز
.....	.....	شنبه اولین روز هفته
.....	.....	جمعه‌ها در ایران تعطیل
.....	.....	بعضی از روزهای زمستان برفی
.....	.....	ایران جاهای دیدنی زیادی
.....	.....	تابستان روزهای طولانی
.....	.....	هوا در بهار خنک
.....	.....	او تقویم امسال را

به تقویم زیر نگاه کنید. تاریخ هجری شمسی را در مقابل تاریخ میلادی بنویسید.



تاریخ میلادی	تاریخ هجری شمسی
۲۰ ژوئیه	
اول بهار ۲۰۰۳	
۱۴ نوامبر	
۲۰۰۳/۳/۲۱	
پنج مارس ۲۰۰۳	
۲۳ سپتامبر ۲۰۰۲	
یازدهم فوریه	



## خاله ناهید

خاله ناهید فردا از شیراز به تهران می‌آید. او با هواپیما به تهران می‌آید. من همراه با مادرم به فرودگاه مهرآباد می‌روم. ما می‌خواهیم از خاله ناهید استقبال کنیم. خاله ناهید خواهر بزرگ مادرم است. او در سال ۱۳۲۰ در تهران به دنیا آمد. او و مادرم در تهران بزرگ شدند. خاله ناهید در بیست و دو سالگی ازدواج کرد. شوهرش شیرازی بود. او در سال ۱۳۴۲ به شیراز رفت. خاله ناهید در اوقات بیکاری به کلاس خوشنویسی می‌رفت. او دوست داشت خط خوبی داشته باشد. او سال‌ها به کلاس خوشنویسی رفت. اکنون او هنرمند خوشنویس است. ماه قبل شوهر خاله ناهید مرد. خاله ناهید فردا به تهران می‌آید. خاله ناهید قرار است با ما زندگی کند. من خیلی خوشحال هستم، چون خاله ناهید می‌خواهد به من خوشنویسی یاد بدهد.

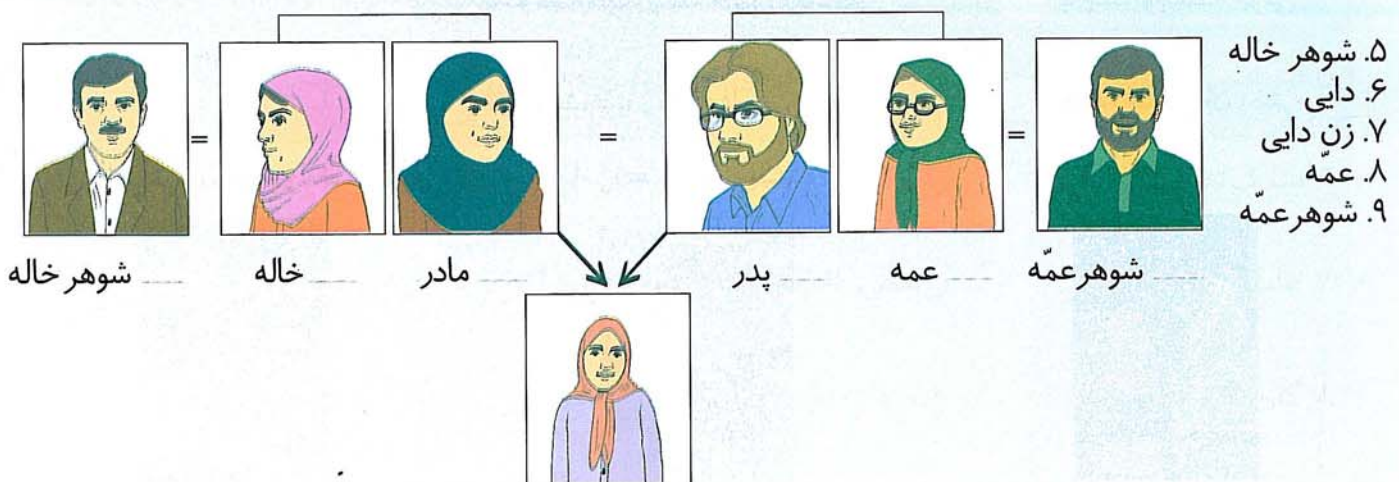
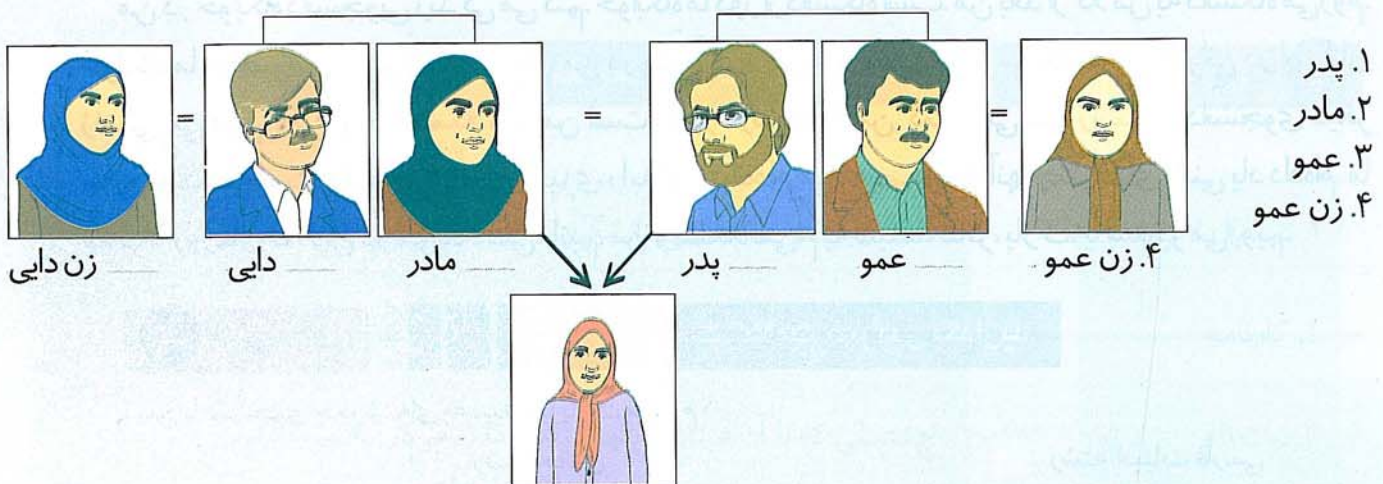
در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درستی مطالب

۱. ما چرا می‌خواهیم به فرودگاه برویم؟  برای استقبال از خاله ناهید  برای سفر به شیراز
  ۲. خاله ناهید چه موقع به شیراز رفت؟  در بیست و دو سالگی  قبل از ازدواج
  ۳. خاله ناهید چرا شیراز را ترک کرد؟  برای تدریس  برای زندگی با خواهرش
- کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



۱. من ..... (در، با، از) اتوبوس به بازار رفتم.
۲. مسافران خارجی ..... (تا، در، به) شهرهای ایران رفتند.
۳. خواهرم ..... (از، در، تا) هجده سالگی وارد دانشگاه شد.
۴. خانواده آنها ..... (در، از، تا) دو سال دیگر در ایران می‌ماند.
۵. همه ادارات ..... (در، به، از) ساعت ۸ صبح تا ۲/۵ بعد از ظهر باز است.
۶. هواپیما ..... (از، با، به) فرودگاه مهرآباد تهران به لندن پرواز کرد.
۷. فاصله ایران ..... (به، تا، از) هند کم است.
۸. ما در فرودگاه لندن ..... (به، در، از) هواپیما پیاده شدیم.





## خوابگاه دانشجویی

نام من کایو است. نام خانوادگی من کوروساوا است. من ژاپنی هستم. من عاشق ادبیات مخصوصاً شعر هستم. من سال‌ها با چند نویسنده ایرانی مکاتبه داشتم. دو سال قبل برای تحصیل به ایران آمدم. الان دانشجوی ادبیات فارسی در دانشگاه علامه طباطبایی هستم. دانشگاه من در تهران است.

من در خوابگاه دانشجویی زندگی می‌کنم. خوابگاه ما دور از دانشگاه است. من بعد از کلاس به دانشگاه می‌روم. خوابگاه ما مخصوص دختران است. اتاق من در طبقه دوم خوابگاه است. من و سه دانشجوی ایرانی در این اتاق زندگی می‌کنیم. یکی از آنها هم‌کلاسی من است. او در درس‌ها به من کمک می‌کند. رشته دو دانشجوی دیگر حقوق و فلسفه است. ما نظافت اتاق و آشپزی را به نوبت انجام می‌دهیم. من به آنها چند غذای ژاپنی یاد دادم. ما معمولاً روزهای تعطیل در خوابگاه نمی‌مانیم. من و هم‌کلاسی‌ام به سینما، تئاتر، پارک، یا استخر می‌رویم.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. من با دانشجوی چه رشته‌ای به سینما یا پارک می‌روم؟  
 رشته حقوق  
 رشته ادبیات فارسی
۲. من قبل از سفر به ایران با چه کسی آشنا بودم؟  
 با دو دانشجوی رشته حقوق و فلسفه  
 با چند نویسنده ایرانی
۳. در خوابگاه ما چه کسانی زندگی می‌کنند؟  
 فقط دانشجویان رشته فارسی  
 فقط دانشجویان دختر

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



۱. دوستم اکنون دانشجویِ سال سوم ..... (بودن).
۲. دیروز برنامهٔ امتحانات را اعلام ..... (کردن).
۳. آنها الان کلاسِ ترجمه ..... (داشتن).
۴. استاد نیم ساعت قبل وارد کلاس ..... (شدن).
۵. شیرین پارسال مدرکِ خود را ..... (گرفتن).
۶. پروین فعلاً بیکار ..... (بودن).
۷. دانشجویان خارجی هفتهٔ گذشته وارد ایران ..... (شدن).
۸. خواهرم امسال در خوابگاه زندگی ..... (کردن).

الف) اولین دورهٔ تحصیلی دانشگاهی که حدود چهار سال طول می‌کشد	۵	۱. نیمسال / ترم
ب) برگه‌ای که مشخصات دانشجو را نشان می‌دهد	۴	۲. کارنامه
ج) عملی که با آن استاد می‌فهمد کدام دانشجو در کلاس نیست	۹	۳. ثبت نام
د) برگه‌ای که نمره‌های دانشجو را در درس‌های مختلف نشان می‌دهد	۱	۴. حضور و غیاب
ه) یکی از دو دوره‌ای که یک سال تحصیلی را نشان می‌دهد	۲	۵. لیسانس
و) برگه‌ای که نشان می‌دهد دانشجو دوره‌ای از تحصیل را با موفقیت گذرانده است	۳	۶. مدرک تحصیلی
ز) عملی که پس از آن دانشجو می‌تواند در کلاس‌های درس شرکت کند	۷	۷. تقلب
ح) جواب دادن به سؤال‌های امتحانی از روی برگهٔ سایر دانشجویان	۸	۸. کارت دانشجویی



## خانواده فرانسوی در ایران

من ژان گنون اهل فرانسه هستم. نام پدرم «رنه» و نام مادرم «سیمون» است. دو سال قبل، دولت فرانسه شغلی را در ایران به پدرم پیشنهاد کرد. پدرم خیلی خوشحال شد. او به خاورمیانه علاقه‌مند است. او مخصوصاً به تمدن ایران علاقه دارد. مادرم هم خیلی خوشحال شد. او به شعر فارسی خصوصاً شعرهای مولوی علاقه‌مند است. من و والدینم سال قبل به ایران آمدیم.

ما با هواییما به تهران، پایتخت ایران، آمدیم. در ابتدا، من دوستی در ایران نداشتم. فارسی را به سختی صحبت می‌کردم. والدینم مرا به کلاس فارسی فرستادند. الان فارسی را نسبتاً خوب صحبت می‌کنم. الان دوستان زیادی دارم. من و والدینم هر هفته به مهمانی می‌رویم. خانواده‌های ایرانی خیلی مهربان و صمیمی هستند. غذاهای ایرانی مانند غذاهای فرانسوی خیلی خوشمزه است. ما تاکنون به اصفهان، همدان، یزد، و تبریز رفته‌ایم. من عکس‌هایی از این شهرهای زیبا گرفته‌ام. امسال تابستان می‌خواهیم به شیراز و کرمان برویم. من و والدینم می‌خواهیم چند سال دیگر در ایران بمانیم. ما دوستان ایرانی، غذاهای ایرانی، و زندگی ایرانی را دوست داریم.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف در کجای مطالب

۱. ما به کدام شهر مسافرت نکرده‌ایم؟  کرمان  یزد
۲. چه کسی از پدرم خواست تا در ایران کار کند؟  مادرم  دولت فرانسه
۳. من در ابتدا چه مشکلی داشتم؟  فارسی را خوب بلد نبودم  از تهران خوشم نمی‌آمد

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟





- م / ام / ایم
- ت / ات / ایت
- ش / اش / ایش
- مان / ایمان
- تان / ایتان
- شان / ایشان

۱) گنون کشور ..... رابه قصد ایران ترک کرد.

۲) آقایان و خانمها! گذرنامه ها ..... رابه من بدهید.

۳) من و سارا به زبان مادری ..... یعنی فارسی صحبت می کنیم.

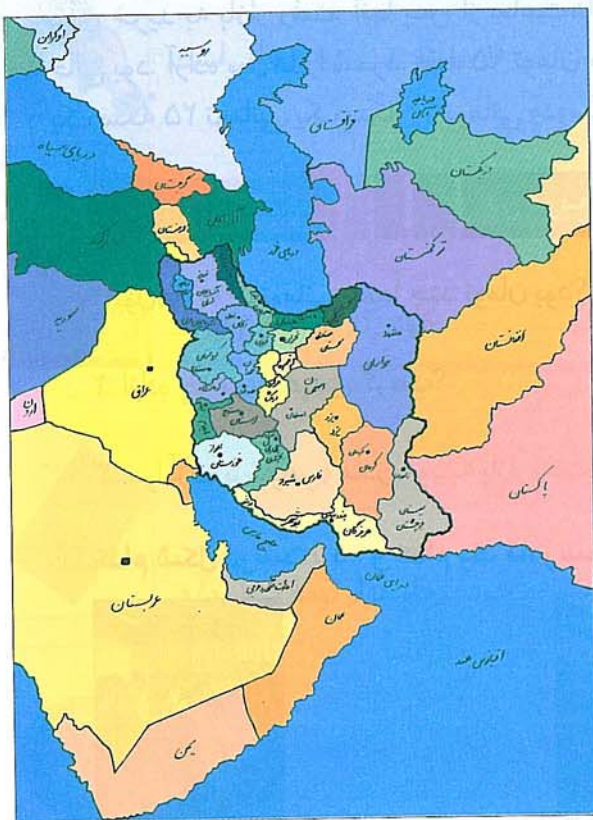
۴) حافظ شعرها ..... رابه زبان فارسی سرود.

۵) ما از مهمانان عرب ..... پذیرایی کردیم.

۷) تو با دوستان ایرانی ..... به خانه ما بیا.

۸) من به تمدن کشور ..... افتخار می کنم.

دریا . خلیج . روستا . اقیانوس . قاره . استان . دریاچه . خاورمیانه . همسایه



۱) ایران در ..... آسیا قرار دارد.

۲) شیراز مرکز ..... فارس است.

۳) ..... عمان در کنار ..... هند قرار دارد.

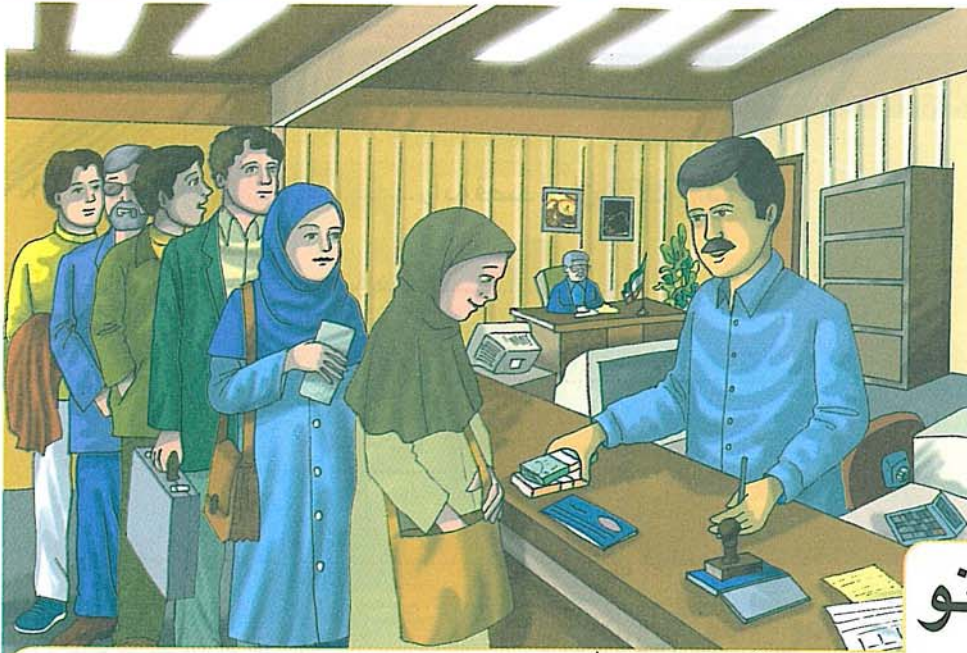
۴) پاکستان ..... ایران در شرق است.

۵) معمولاً چندین ..... در اطراف هر شهر وجود دارد.

۶) ..... فارس جزء آب های جنوبی ایران است.

۷) ..... ارومیه محلی برای زندگی پرندگان است.

۸) کشورهایمانند ایران، سوریه، عراق، و عربستان در ..... قرار دارند.



## خریدِ سالِ نو

دیروز بیست و دوم اسفند بود. آزاده به بانک ملی رفت تا حقوق بگیرد. او ساعت ۹ صبح به بانک رسید. داخل بانک خیلی شلوغ بود. آزاده در آخر صف ایستاد. او فیش حقوق را از جیبش بیرون آورد. حقوق این ماه او صد و چهل و پنج هزار تومان بود. صد هزار تومان هم پول عیدی بود. آزاده در فکر سال نو و خرید لباس بود. بعد از حدود نیم ساعت نوبت آزاده شد. آزاده دفترچه پس انداز خود را به کارمند بانک داد. آزاده به او گفت: «همه حقوق این ماه و عیدی را می گیرم: دویست و چهل و پنج هزار تومان». کارمند پول را به او داد: یک بسته اسکناس ۱۰۰۰ تومانی، دو بسته اسکناس ۵۰۰ تومانی، چهار بسته اسکناس ۱۰۰ تومانی، و یک بسته اسکناس ۵۰ تومانی. آزاده پول را در کیف خود گذاشت و از بانک بیرون رفت. بعد از ظهر آن روز، آزاده با شوهر و مادر خود برای خرید به بازار رفت. آنها پس از ساعت‌ها به خانه برگشتند. آزاده کیف پول خود را باز کرد. کیف تقریباً خالی بود. آزاده پول‌ها را شمرد. فقط ۹۵ تومان داخل کیف بود: دو اسکناس ۲۰ تومانی، یک اسکناس ۱۰ تومانی، یک سکه ۲۵ تومانی، یک سکه ۱۰ تومانی و دوسکه ۵ تومانی.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. پول‌های ۵۰۰ تومانی جمعاً چند تومان بود؟  پنجاه هزار تومان  صد هزار تومان
۲. آزاده چه موقع عیدی گرفت؟  قبل از عید  بعد از عید
۳. چرا آزاده با شوهر و مادر خود به بازار رفت؟  برای خرید ماهیانه  برای خرید سال نو

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



در جمله‌های زیر روی گزینه‌های نادرست علامت ضربدر بگذارید.  
در برخی جمله‌ها هر دو گزینه صحیح است.

۱. من برای (رفتن / رفت) به بانک سوار اتوبوس شدم.
۲. کارگران برای (گرفتن / گرفت) حقوق به بانک رفتند.
۳. بچه‌ها از (دیدن / دید) مادرشان خوشحال شدند.
۴. او برای (خریدن / خرید) لباس نو پول نداشت.
۵. همه خانم‌های خانه دار طرز (پختن / پخت) این غذا را می‌دانند.
۶. دولت با (ساختن / ساخت) مدرسه در این روستا موافق است.
۷. ما پس از (پرداختن / پرداخت) کرایه از تاکسی پیاده شدیم.
۸. پدرم تصمیم به (فروختن / فروخت) ماشین خود گرفت.

کلمه‌های زیر را در جاهای خالی بنویسید.

سکه اسکناس ریال پول خرد پس انداز حقوق بسته کیف پول



۲. من خالی است.



۱. در ایران انواع ..... رایج است.



۴. کارمندان ..... خود را از بانک می‌گیرند.

۳. ببخشید، هزار تومان ..... دارید؟



۶. شیرین در دفترچه ..... خود پنجاه هزار تومان پول دارد.

۵. این ..... خیلی کهنه است.



۸. هر تومان ده ..... است.

۷. حسین چند ..... پول را به بانک برد.





## نوروز

بسیاری از مردم جهان، اولین روز سال نو را جشن می‌گیرند. ایرانی‌ها هم این روز را جشن می‌گیرند. سال نو در ایران از اول فروردین در فصل بهار شروع می‌شود. این روز را نوروز می‌گویند. در نوروز همه جا پر از شکوفه و گل است. ایرانی‌ها پیش از نوروز خانه‌های خود را تمیز و مرتب می‌کنند. آنان خود را برای جشن نوروز آماده می‌کنند. مردم لباس نو یا تمیز می‌پوشند. آنان سفره هفت سین را پیش از تحویل سال می‌چینند. تحویل سال لحظه‌ای است که سال نو شروع می‌شود. آنان بر سر سفره هفت سین می‌نشینند. ایرانی‌ها در سفره هفت سین هفت چیز می‌گذارند که نام همه آنها با حرف «س» شروع می‌شود: سبزه، سرکه، سماق، سمنو، سنجد، سیر، و سیب. گاهی مردم در سفره هفت سین میوه، تخم مرغ پخته و رنگ کرده، گلاب، و ظرف آب می‌گذارند. در این ظرف ماهی قرمز کوچکی شنا می‌کند. ایرانی‌ها در سفره هفت سین قرآن، آینه، و شمع می‌گذارند. در نوروز مردم از یکدیگر دیدن می‌کنند. آنان با یکدیگر روبوسی می‌کنند. بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها پولی می‌دهند که به آن عیدی می‌گویند. بسیاری از ایرانی‌ها در تعطیلات نوروز به مسافرت می‌روند. همه ایرانی‌ها نوروز را دوست دارند.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف در کجای مطالب

- کودکان در سال نو چه می‌کنند؟  
 عیدی می‌دهند  بر سر سفره هفت سین می‌نشینند
- سال نو ایرانی‌ها چه نام دارد؟  
 روز نو  نوروز
- ایرانی‌ها بر سر سفره هفت سین چه چیزی نمی‌گذارند؟  
 ماهی  شیر

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



(الف)	(ب)	(ج)
خانواده‌های ایرانی		یکدیگر رفت و آمد می‌کنند
نوروز یکی	با	ما خوش گذشت
مریم		پدر بزرگ و مادر بزرگش روبوسی کرد
همسایه‌ها سال نو را	از	یکدیگر تبریک گفتند
در پایان مهمانی، آنها		عیده‌های ایرانی است
بچه‌ها	به	یکدیگر جدا شدند
تعطیلات عید		والدین خود به مهمانی رفتند

.....	سمنو
.....	گلاب
.....	قرآن
.....	سبزه
.....	سفره
.....	سرکه
.....	آینه
.....	شمع
.....	تخم مرغ
.....	تنگ ماهی





## کوهنوردی

مهدی هر جمعه به کوه می رود. او از صبح تا ظهر در کوه می ماند. مهدی به هوای شهر علاقه ندارد. هوای شهر آلوده است. همه جا پر از دود است. مهدی به هوای کوهستان علاقه دارد. آنجا هوا تمیز و تازه است. کوهنوردی هم برای سلامت خوب است.

مهدی ساعت پنج بیدار می شود. او وضو می گیرد و نماز می خواند. بعد کوله پشتی خود را بر می دارد. او یک بطری آب، چند دانه خرما، مقداری پنیر، و یک دانه نان بربری در کوله پشتی اش می گذارد. او از مادرش خداحافظی می کند. آن موقع صبح، همسرش هنوز خواب است. مهدی معمولاً با اتوبوس تا پای کوه می رود. او از آنجا پیاده به قلّه کوه می رود. مهدی حدود ساعت هشت به قلّه می رسد. چند ساعت در کوه می ماند. اطراف را تماشا می کند و لذت می برد. مهدی نزدیک ظهر به خانه برمی گردد. او ابتدا دوش می گیرد. بعد با مادر و همسرش ناهار می خورد.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درستی معطلی

۱. مهدی با چه کسی به کوه می رود؟  با همسرش  به تنهایی
۲. مهدی قبل از رفتن چه می کند؟  نماز می خواند  مقداری نان و پنیر می خورد
۳. همسر مهدی چه موقع او را می بیند؟  موقع ناهار  ساعت پنج صبح

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



مثال: او همسرش را دوست دارد.

۱. او ..... مادرش سلام کرد.
۲. من دوستانم ..... در کوه دیدم.
۳. مسافر کرایه خود ..... حساب کرد.
۴. احمد ما ..... برای ناهار دعوت کرد.
۵. پدرم ..... من نماز یاد داد.
۶. مهدی ..... مادرش احترام می گذارد.
۷. آنها برای نماز ..... مسجد می روند.
۸. دیروز مدرسه ها ..... تعطیل کردند.

شنا اسب سواری دو فوتبال والیبال بسکتبال اسکی تنیس کشتی پینگ پنگ



۱. مهدی گاهی به سالن ..... می رود.



۲. سرگرمی اصلی مهری ..... است.



۳. این پیست ..... زمستان ها خیلی شلوغ است.



۴. ایران چند بار در مسابقه ..... قهرمان آسیا شد.



۵. در این باشگاه چند میز ..... است.



۶. دو تیم ..... با هم مساوی شدند.



۷. مسابقات ..... در ورزشگاه برگزار شد.



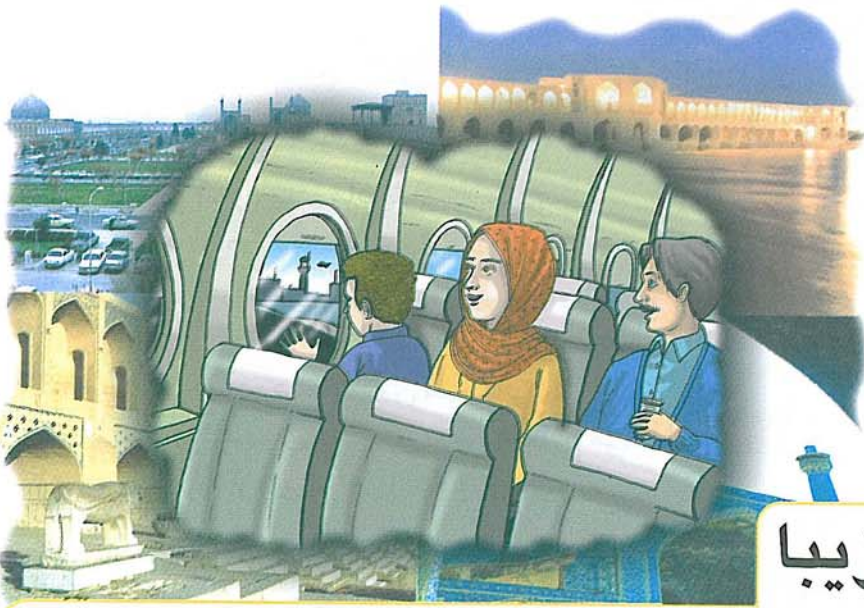
۸. آنها با هم ..... تمرین کردند.



۹. ورزش ملی ایران است.



۱۰. تماشاگران مسابقه ..... را تماشا می کنند.



## شهر قدیمی و زیبا

بهروز و خانواده‌اش تابستان امسال به مسافرت رفتند. آنها تصمیم گرفتند به شهر اصفهان بروند. پدر بهروز می‌گوید که اصفهان شهری قدیمی است. آنجا مسجدها، حمام‌ها، و پل‌های قدیمی زیادی وجود دارد. مادر بهروز می‌گوید اصفهان شهری زیبا است. آنجا رودخانه‌ها، پارک‌ها، و میدان‌های زیبایی وجود دارد.

بهروز و خانواده‌اش با هواپیما وارد اصفهان شدند. آنها به یک هتل بزرگ رفتند. بهروز و خانواده‌اش پنج روز در اصفهان ماندند. پدر بهروز آنها را به جاهای دیدنی اصفهان برد. مسافرانی از کشورهای خارجی در اصفهان بودند: ژاپنی، کره‌ای، روسی، فرانسوی، آلمانی، و کانادایی. بعضی از آنها کمی فارسی بلد بودند. بهروز با آنها فارسی صحبت کرد. بیشتر اروپایی‌ها انگلیسی می‌دانستند. پدر بهروز با آنها انگلیسی صحبت کرد. آنها از اصفهان خیلی تعریف کردند. آنها گفتند که اصفهان واقع زیبا است.

بهروز و خانواده‌اش پس از پنج روز به شهرشان برگشتند. همه آنها منتظر تابستان آینده هستند. آنها می‌خواهند تابستان آینده دوباره به اصفهان بروند.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف

۱. بهروز تاکنون چند بار به اصفهان سفر کرده است؟  یک بار  دوبار
۲. چه کسی از بناهای قدیمی اصفهان تعریف کرد؟  مادر بهروز  پدر بهروز
۳. بهروز با چه زبانی با بعضی از خارجی‌ها صحبت کرد؟  انگلیسی  فارسی

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



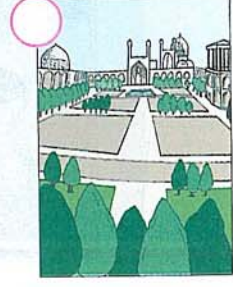
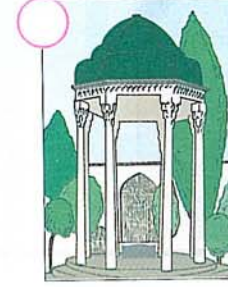
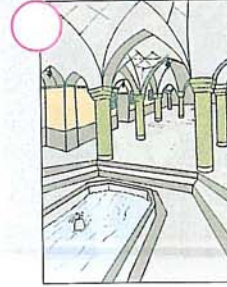
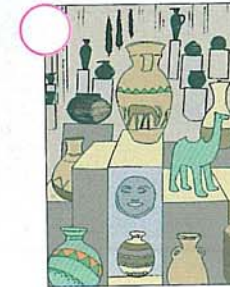
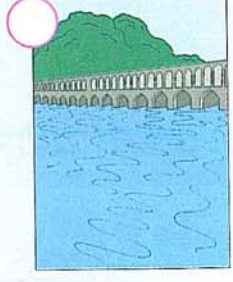
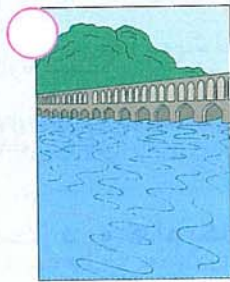


ترتیب کلمه ها و عبارتهای زیر را با شماره مشخص کنید.

۱. ۶ خوابید ۸ کودک  
 ۲. ۹ پرواز ۱ هوایما  
 ۳. ۲ یاد ۱ من  
 ۴. ۱ او ۱ تماشای  
 ۵. ۳ ما ۲ به ۱ معلم ایرانی  
 ۶. ۴ نگاه ۳ نقشه شیراز ۲ به  
 ۷. ۱ آنها ۴ اتومبیل ۹ گذاشتند  
 ۸. ۱ مسافران ۳ تاکسی ۲ چمدانها ۶ گذاشتند  
 ۲ کرد ۳ کرد ۲ چمدانها ۶ رفتند  
 ۲ فارسی ۴ رفتند ۴ به  
 ۲ طبیعت ۴ ایران ۳ را  
 ۲ داد ۴ فارسی ۳ در  
 ۲ کردند ۱ مسافران ۲ چمدانها ۶ رفتند  
 ۲ با ۲ چمدانها ۶ رفتند ۴ به

شکل های زیر مربوط به جاهای دیدنی اصفهان و شیراز است. شماره مربوط به هر شکل را در بالای آن بنویسید.

- ۱- آرامگاه ۲- پل ۳- هتل ۴- مسجد ۵- میدان  
 ۶- کاخ ۷- حمام ۸- چایخانه ۹- رستوران ۱۰- موزه





## جشنِ عروسی

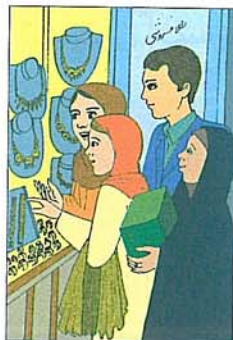
فردا جشنِ عروسی «فریدون» و «فرزانه» است. فریدون بیست و چهار ساله است. او در داروخانه کار می‌کند. فرزانه بیست ساله است. او کارمند بانک است. فریدون و فرزانه در همسایگی هم زندگی می‌کنند. آنها دو سال بود که به یکدیگر علاقه داشتند. سال گذشته، فریدون با خانواده‌اش به خواستگاری فرزانه رفت. الان یک سال است که آنها با هم نامزد هستند. امروز فریدون و فرزانه همراه با خانواده‌ها و بستگان نزدیک خود به بازار رفتند. آنها طلا، کفش، لباس، و سایر لوازم را برای عروس خریدند. آنها برای داماد هم کفش، ساعت، و لباس خریدند. جشنِ عروسی در تالاری بزرگ برگزار خواهد شد. تعداد مهمان‌ها برای جشنِ عروسی چهارصد نفر است. آنها برای جشنِ فردا کیکی بزرگ سفارش داده‌اند. آنها برای شام دو نوع غذا سفارش داده‌اند: «زرشک‌پلو با مرغ» و «سبزی‌پلو با گوشت». فریدون و فرزانه در انتظار جشنِ فردا هستند.

در مربعِ درستِ علامتِ ضربدر بگذارید.

الف درستی مطلب

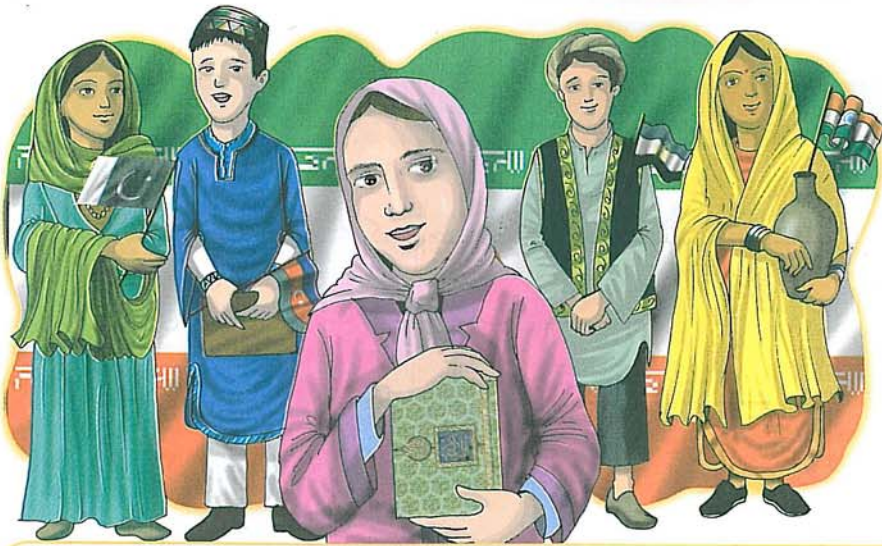
۱. مهمان‌ها شام را در کجا می‌خورند؟  در خانه فریدون  در تالار
۲. عروس چه کاره است؟  خانه دار  کارمند
۳. پارسال چه اتفاقی افتاد؟  فریدون با فرزانه نامزد کرد  فریدون با فرزانه عروسی کرد

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



۱. جشن عروسی در (چه، کجا، چند) برگزار خواهد شد؟.....
۲. عروس (چند، چه، کدام) ساله است؟.....
۳. آنها (کدام، چه، چند) غذاهایی را سفارش دادند؟.....
۴. فریده (چه، کدام، کجا) کاره است؟.....
۵. شما با (چه، چند، کدام) خانواده آشنا هستید: عروس یا داماد؟.....
۶. فریدون و فرزانه در (چند، چه، کدام) سالی با هم آشنا شدند؟.....
۷. (کدام، چه، چند) نفر با عروس به بازار رفتند؟.....
۸. عروس و داماد در فروشگاه (کجا، چند، چه) خریدند؟.....

- |  |                          |              |
|--|--------------------------|--------------|
| الف. دختر یا پسری که می خواهید با او ازدواج کنید     | <input type="checkbox"/> | ۱. نامزد     |
| ب. زنی که شوهرش مرده است یا از او جدا شده است        | <input type="checkbox"/> | ۲. طلاق      |
| ج. کسی که همسر (زن یا شوهر) دارد                     | <input type="checkbox"/> | ۳. خواستگاری |
| د. جدا شدن قانونی زن و شوهر از یکدیگر                | <input type="checkbox"/> | ۴. متاهل     |
| ه. مراسمی که بر اساس آن دو نفر زن و شوهر می شوند     | <input type="checkbox"/> | ۵. مجرد      |
| و. علاقه شدید به یکدیگر، خصوصاً دو جنس مخالف         | <input type="checkbox"/> | ۶. بیوه      |
| ز. مراسمی که در آن پسر به دختر پیشنهاد ازدواج می دهد | <input type="checkbox"/> | ۷. عقد       |
| ح. کسی که همسر (زن یا شوهر) ندارد                    | <input type="checkbox"/> | ۸. عشق       |



## زبان فارسی

من مریم هستم. من در ایران زندگی می‌کنم. من فارسی صحبت می‌کنم. فارسی، زبان بیشتر مردم ایران است. فارسی زبان‌های زیادی در کشورهای دیگر مانند افغانستان، تاجیکستان، پاکستان، و هندوستان زندگی می‌کنند. فارسی، زبان مادری بیش از صد میلیون نفر است.

بسیاری از کلمه‌های فارسی ریشه عربی دارد، زیرا تقریباً همه مردم ایران مسلمان هستند. قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، به زبان عربی است. برخی از این کلمه‌ها عبارت است از سلام، ایمان، انسان، دنیا، و کتاب. در سال‌های اخیر، ایرانی‌ها ارتباط زیادی با اروپایی‌ها داشته‌اند. از این رو، تعدادی از کلمه‌های فرانسوی و انگلیسی وارد زبان فارسی شده است. کلمه مرسی از زبان فرانسه و کلمه‌های «کامپیوتر»، «فریزر»، و «فیلم» از زبان انگلیسی وارد زبان فارسی شده است.

شاعران بزرگ ایرانی مانند حافظ، مولوی، و فردوسی به زبان فارسی شعر سروده‌اند. ایرانی‌ها و فارسی زبان‌ها در سایر کشورها این شعرها را می‌خوانند. آنان از این شعرها لذت می‌برند. ایرانی‌ها می‌گویند: «فارسی شکر است».

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف کورگی مطالبی

۱. کدام کلمه در سال‌های اخیر وارد فارسی شده است؟  مرسی  انسان
۲. فارسی با کدام زبان ارتباط بیشتری دارد؟  انگلیسی  عربی
۳. فارسی را بیشتر چه کسانی صحبت می‌کنند؟  مردم کشورهای مسلمان  مردم ایران

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



مثال: ما ( فارسی ۳ ، صحبت ۴ ، زبان ۲ ، به ۱ ) می‌کنیم.

۱. بعضی از ایرانی‌ها ( آشنا  ، عربی  ، با  ، زبان  ) هستند.
۲. این خانواده ایرانی ( اروپایی  ، زندگی  ، کشوری  ، در  ) می‌کند.
۳. مسلمانان ( در  ، نماز  ، مسجد  ) می‌خوانند.
۴. دانشجویان خارجی ( ایران  ، در  ، دانشگاه‌های  ، تحصیل  ) می‌کنند.
۵. آندره ( دوست  ، با  ، ایرانی  ، چند  ) است.
۶. اعضای خانواده تاناکورا ( برنامه‌های  ، گوش  ، به  ، فارسی  ) می‌کنند.
۷. خانواده‌های عرب ( مهمانی  ، در  ، شرکت  ، ایرانی‌ها  ) کردند.
۸. میخایل فارسی را ( یاد  ، ایرانی  ، از  ، یک  ) گرفت.

حرف اضافه حرف صفت فعل فاعل قید ضرب المثل پیشوند پسوند

۱. زبان فارسی ۳۲ ..... دارد.
۲. .... «بی» به معنای «بدون» است.
۳. بسیاری از ..... های فارسی از «به» و «اسم» تشکیل می‌شود.
۴. «با یک گل بهار نمی‌شود» یکی از ..... های فارسی است.
۵. .... کسی یا چیزی است که عملی را انجام می‌دهد.
۶. با افزودن ..... «ی» به اسم می‌توان ..... ساخت.
۷. «در» ..... زمان و مکان است.
۸. در جمله «من نامه‌هایم را به فارسی می‌نویسم» کلمه «می‌نویسم» ..... است.



## معلم فارسی

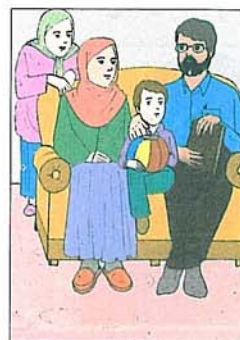
اسم من امیرِ تهرانی است. من معلمِ فارسی هستم. من متأهل هستم و دو فرزند دارم. اسم همسر من مینا است. او خانه دار است. او کارهای خانه را انجام می‌دهد و از بچه‌ها نگهداری می‌کند. او در درس‌ها به بچه‌ها کمک می‌کند. فرزندِ بزرگ من مریم است. او بیست ساله است و به دانشگاه می‌رود. مریم در دانشگاه تهران درس می‌خواند. رشته او تاریخ است. فرزندِ کوچک من رضا است. او پنج ساله است و به مدرسه نمی‌رود. من شش روز در هفته به مدرسه می‌روم. روزِ جمعه مدرسه‌ها تعطیل است. من ساعتِ هشت صبح به مدرسه می‌روم و به دانش آموزان درس می‌دهم. من ساعتِ دوازده و نیم به خانه بر می‌گردم و با خانواده‌ام ناهار می‌خورم. ما روزهای تعطیل گاهی به پارک می‌رویم. گاهی هم به خانه برادرم یا خانه خانواده همسرم می‌رویم. من بعضی از شب‌ها تلویزیون تماشا می‌کنم. بعد کتاب می‌خوانم. من معمولاً ساعتِ یازده شب می‌خوابم.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

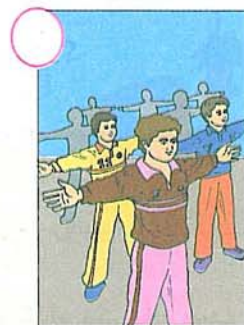
الف درک مطلب

۱. در خانواده ما چند نفر شاغل هستند؟  یک نفر  دو نفر
۲. من چه وقت در خانه هستم؟  صبح  بعد از ظهر
۳. رشته فرزند بزرگ من چیست؟  فارسی  تاریخ

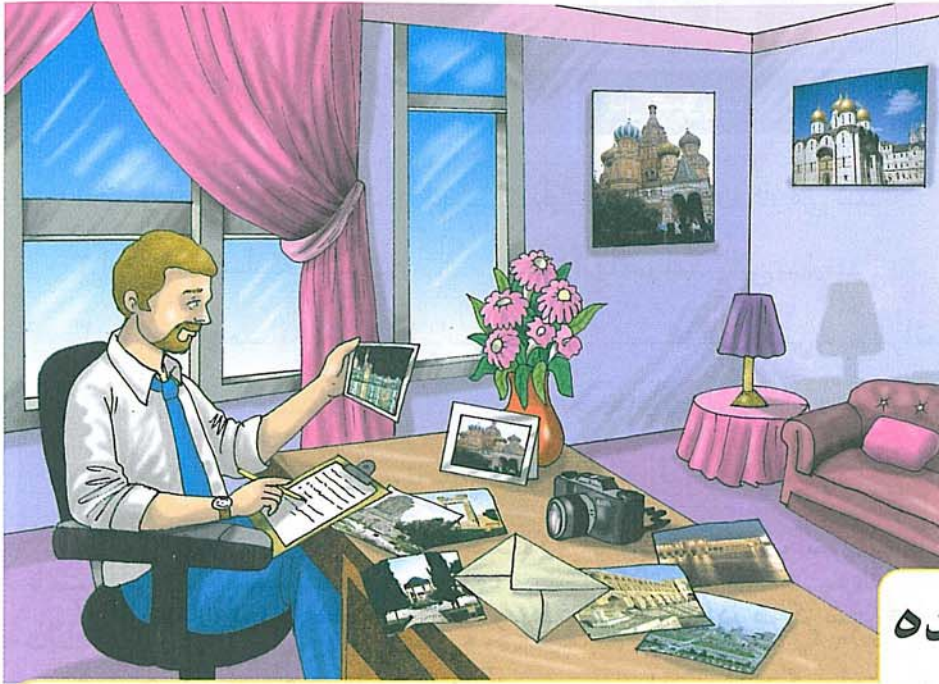
کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



۱. مادرم پرستار است و ..... (او) در بیمارستان کار می کند.
۲. این شغل مناسب نیست و ..... (آنها) درآمد کافی ندارند.
۳. من همه همسایه ها را می شناسم، اما ..... (آنها) حتی اسم مرا نمی دانند.
۴. شما کارگری هستید که ..... (همه) از شما رضایت دارند.
۵. ما خیلی درس می خوانیم تا ..... (ما) در امتحان کنکور موفق شویم.
۶. آقای جوادی پدر دکتر محسن است که ..... (محسن) به ما شیمی درس می دهد.
۷. ساختمان این اداره قدیمی است، و ..... (آن) در مرکز شهر قرار دارد.
۸. شوهر مریم سخت کار می کند تا ..... (مریم) زندگی راحتی داشته باشد.



۱. املا
۲. انشا
۳. تاریخ
۴. جغرافیا
۵. علوم
۶. قرآن
۷. تعلیمات دینی
۸. ریاضی
۹. ورزش



## نامه به خانواده

الکسی پتروشفسکی مهندس است. او اهل روسیه است. الکسی سال گذشته به ایران آمد. او در کارخانه‌ای مهم کار می‌کند. در این مدت، الکسی فقط یک بار به روسیه رفته است. او دوست دارد تعطیلات تابستانی را در روسیه بگذراند. دل الکسی برای خانواده‌اش تنگ شده است.

الکسی خودکار را برداشت و نامه‌ای نوشت. او به همسر و فرزندانش در روسیه اطلاع داد که تعطیلات را به آنجا می‌رود. او نامه را داخل پاکت گذاشت. الکسی چند عکس از ایران را هم داخل پاکت گذاشت. الکسی این عکس‌ها را از جاهای مختلف گرفته بود: میدان آزادی در تهران، مسجد امام در اصفهان، تخت جمشید در شیراز، و آرامگاه فردوسی در مشهد. بعد الکسی به اداره پست رفت. او در آنجا چند تمبر خرید و بر روی پاکت چسباند. الکسی نشانی گیرنده و فرستنده را بر روی پاکت نوشت. او نامه را به کارمند اداره پست داد و به خانه برگشت. الکسی منتظر دیدار با خانواده‌اش است.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درستی مطالب

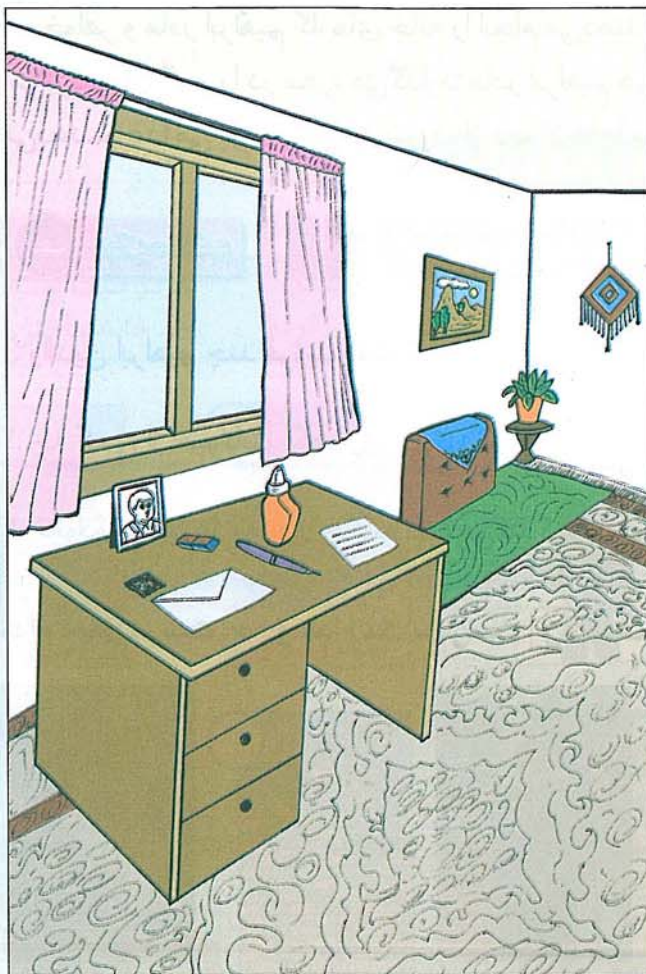
۱. چه کسی تمبرها را چسباند؟  کارمند اداره پست  الکسی
۲. الکسی چرا به ایران آمد؟  برای دیدن شهرهای ایران  برای کار کردن
۳. الکسی برای چندمین بار به روسیه برمی‌گردد؟  اولین بار  دومین بار

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟

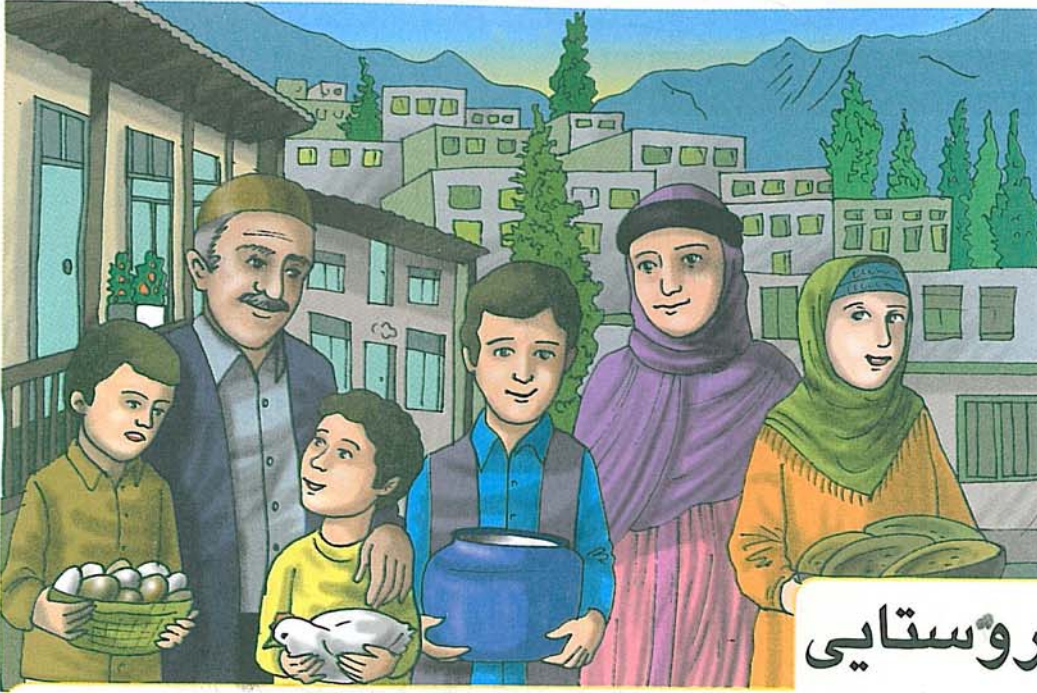




۱. رنگ نیمکت به تنم (چسبید - چسباند).  
.....
۲. نامه رسان نامه‌ها را (رسید - رساند).  
.....
۳. الکسی سوغاتی‌ها را به روسیه (رفت - برد).  
.....
۴. سبزی فروش سبزی‌های تازه (آمد - آورد).  
.....
۵. راننده مسافر خود را جلوی هتل پیاده (کرد - شد).  
.....
۶. ایران در قاره آسیا قرار (دارد - می‌دهد).  
.....
۷. خانم معلم معنی لغت‌ها را به ما (فهمید - فهماند).  
.....
۸. من از تاریکی (می‌ترسم - می‌ترسانم).  
.....



.....	تمبر
.....	چسب مایع
.....	خودنویس
.....	نامه
.....	تمبر
.....	عکس
.....	پاکت نامه
.....	خودکار
.....	مداد
.....	مداد تراش
.....	پاک‌کن
.....	کاغذ
.....	چسب نواری



## خانواده روستایی

ابراهیم و خانواده‌اش در روستا زندگی می‌کنند. ابراهیم دو برادر و یک خواهر دارد. آنها از ابراهیم کوچک‌تر هستند. ابراهیم در کارهای مزرعه به پدرش کمک می‌کند. او و پدرش صبح زود به مزرعه گندم می‌روند و کار می‌کنند. برادران ابراهیم از گاوها، مرغ‌ها، و خروس‌ها مراقبت می‌کنند. آنها شیرگاو و تخم مرغ‌ها را به مغازه روستا می‌برند و می‌فروشند. آنها با پول آن قند، چای، کبریت، برنج، صابون، و سایر لوازم خانه را می‌خرند. خواهر و مادر ابراهیم کارهای خانه را انجام می‌دهند. خواهر ابراهیم خانه را تمیز و مرتب می‌کند. او نان می‌پزد و نان گرم را در سفره می‌گذارد. مادر ابراهیم هم امور خانه را اداره می‌کند. او کارهای روزانه را انجام می‌دهد. او غذا می‌پزد، لباس می‌شوید، از مهمان‌ها پذیرایی می‌کند، و گاهی برای خرید به شهر می‌رود.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درستی مطلب

۱. والدین ابراهیم چند فرزند دارند؟  سه فرزند  چهار فرزند
۲. چه کسی از حیوانات نگهداری می‌کند؟  برادران ابراهیم  خواهر و مادر ابراهیم
۳. خانواده ابراهیم نان خود را چگونه تهیه می‌کند؟  در خانه می‌پزد  از نانوا می‌خرد

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟

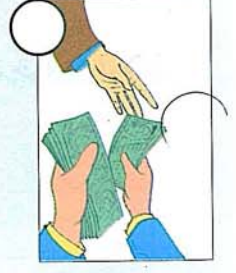


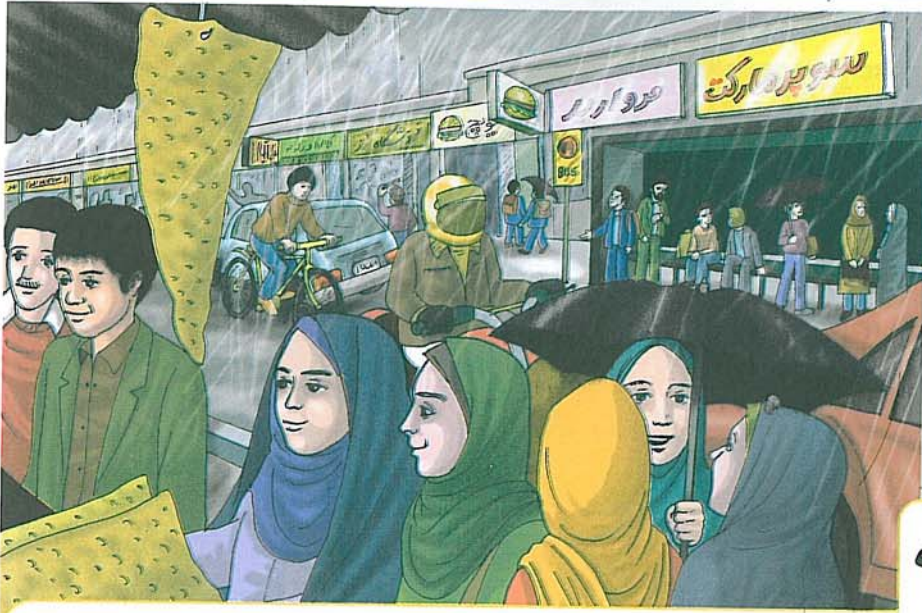
کلمه مناسب را انتخاب کنید، و در داخل مربع علامت ضربدر بگذارید.

- |                          |               |                          |   |
|--------------------------|---------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | (الف) برادر   | <input type="checkbox"/> | ۱. ابراهیم دو ..... دارد.                           |
| <input type="checkbox"/> | (ب) برادران   | <input type="checkbox"/> | (الف) برادر   |
| <input type="checkbox"/> | (ب) گاوها     | <input type="checkbox"/> | ۲. آنها چند ..... دارند.                            |
| <input type="checkbox"/> | (ب) کشاورزان  | <input type="checkbox"/> | (الف) گاو   |
| <input type="checkbox"/> | (ب) نان‌ها    | <input type="checkbox"/> | ۳. یکی از ..... در مزرعه ما کار می‌کند.             |
| <input type="checkbox"/> | (ب) روستاهای  | <input type="checkbox"/> | (الف) کشاورز  |
| <input type="checkbox"/> | (ب) خانه‌هایی | <input type="checkbox"/> | ۴. مادرم همه ..... را در سفره گذاشت.                |
| <input type="checkbox"/> | (ب) دوستان    | <input type="checkbox"/> | (الف) نان   |
| <input type="checkbox"/> | (ب) مغازه‌ها  | <input type="checkbox"/> | ۵. هر ..... این منطقه دارای یک مدرسه و یک مسجد است. |
|                          |               | <input type="checkbox"/> | (الف) روستای  |
|                          |               | <input type="checkbox"/> | ۶. هیچ ..... در این روستا آجری نیست.                |
|                          |               | <input type="checkbox"/> | (الف) خانه‌ای                                       |
|                          |               | <input type="checkbox"/> | ۷. بسیاری از ..... من روستایی هستند.                |
|                          |               | <input type="checkbox"/> | (الف) دوست  |
|                          |               | <input type="checkbox"/> | ۸. تعدادی ..... در این روستا است.                   |
|                          |               | <input type="checkbox"/> | (الف) مغازه   |

شماره مناسب را در داخل دایره بگذارید.

- |             |             |              |              |                |                |                 |                 |                  |                |
|-------------|-------------|--------------|--------------|----------------|----------------|-----------------|-----------------|------------------|----------------|
| ۱. جارو زدن | ۲. نان پختن | ۳. لباس شستن | ۴. خرید کردن | ۵. پرداخت کردن | ۶. لباس پوشیدن | ۷. پذیرایی کردن | ۸. کشاورزی کردن | ۹. در صف ایستادن | ۱۰. خانه ساختن |
|-------------|-------------|--------------|--------------|----------------|----------------|-----------------|-----------------|------------------|----------------|





## روزِ اوّلِ هفته

امروز شنبه، روز اوّل هفته است. امروز اواسط پاییز است، و هوا کمی سرد است. آسمان ابری است و باران می بارد. مردم به محل کار خود می روند. امروز خیابان ها خیلی شلوغ است. بعضی از افراد پیاده هستند و چتر در دست دارند. بعضی در ایستگاه اتوبوس ایستاده اند. بعضی سوار تاکسی هستند. تعداد کمی از افراد سوار دوچرخه یا موتور هستند. دانش آموزان به مدرسه می روند. بعضی از آنها با پدر یا مادر خود به مدرسه می روند. بیشتر آنها تنها یا با دوستان خود به مدرسه می روند. دانشجویان به دانشگاه می روند. کارمندان به اداره می روند. بیشتر مغازه ها و فروشگاه ها باز است. عده ای به مغازه خواربارفروشی می روند. عده ای در صف نانوائی ایستاده اند. زنان و مردان در صف های جدا ایستاده اند. بوی نان گرم همه جا پیچیده است. خیابان ها در روز اوّل هفته همیشه شلوغ است.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف در کجای مطالبی

۱. چرا خیابان ها شلوغ است؟

چون هفته اوّل پاییز است

چون اوّل هفته است

۲. در کجا صف وجود دارد؟

در ایستگاه اتوبوس و جلوی مغازه خواربارفروشی

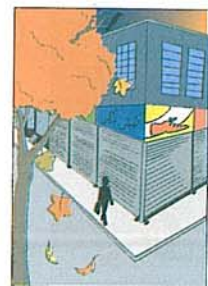
جلوی نانوائی و در ایستگاه اتوبوس

۳. بعضی از دانش آموزان با چه کسی به مدرسه می روند؟

با دوستان خود

با برادر بزرگ تر خود

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟

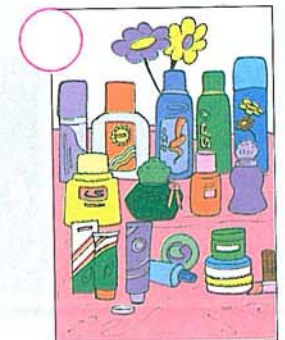
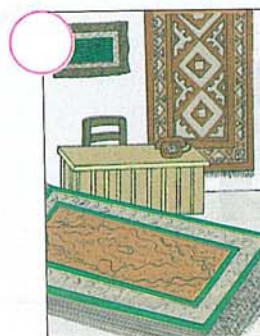
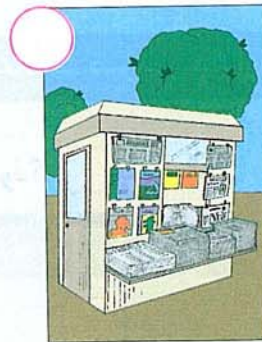


**مثال:** (آسمان ابری) آسمان ابری است.  
(صف نانوایی) صف نانوایی است.

۱. (دانشجویان دانشگاه) دانشجویان دانشگاه هستند.
۲. (نان گرم) نان گرم است.
۳. (خیابان شلوغ) خیابان شلوغ است.
۴. (روزهای هفته) روزها هفته است.
۵. (فروشگاه های باز) فروشگاه ها باز است.
۶. (هوای سرد) هوا سرد است.
۷. (مغازه خواربار فروشی) مغازه خواربار فروشی است.
۸. (صف های بلند) صف ها بلند است.

با گذاشتن شماره در دایره مشخص کنید که هر شکل مربوط به کدام کلمه است.

- |               |                          |                        |
|---------------|--------------------------|------------------------|
| ۱. داروخانه   | ۲. قصابی                 | ۳. روزنامه فروشی       |
| ۴. کتاب فروشی | ۵. فروشگاه لوازم بهداشتی | ۶. قالی فروشی          |
| ۷. میوه فروشی | ۸. فروشگاه لوازم التحریر | ۹. پارچه فروشی         |
| ۱۰. کفش فروشی | ۱۱. فروشگاه پوشاک        | ۱۲. فروشگاه صنایع دستی |





## دوره‌های تحصیلی

در ایران، بچه‌ها از هفت سالگی به مدرسه می‌روند. آنها تحصیل را از دوره ابتدایی شروع می‌کنند. این دوره پنج سال طول می‌کشد. دانش آموزان ابتدایی به مدرسه ابتدایی می‌روند. آنها در آنجا درس‌هایی مانند فارسی، علوم، املا، ریاضی، و تعلیمات دینی دارند. آنها هر سال دو بار امتحان می‌دهند. آنها پس از دوره ابتدایی وارد دوره راهنمایی می‌شوند. این دوره سه سال طول می‌کشد. دانش آموزان راهنمایی به مدرسه راهنمایی می‌روند. آنها در آنجا درس‌هایی مانند علوم، ریاضی، حرفه و فن، و تعلیمات اجتماعی دارند. آنها پس از دوره راهنمایی، دوره دبیرستان را شروع می‌کنند. این دوره سه سال طول می‌کشد. دانش آموزان این دوره به دبیرستان یا هنرستان می‌روند. آنها در آنجا در رشته‌هایی مانند ریاضی-فیزیک، علوم تجربی، علوم انسانی، و هنر یا رشته‌های فنی-حرفه‌ای تحصیل می‌کنند. دانش آموزان پس از موفقیت در این دوره دیپلم می‌گیرند. دانش آموزانی که به دانشگاه علاقه دارند، یک سال در دوره پیش دانشگاهی درس می‌خوانند. تحصیل در مدرسه‌های ایران دوازده سال طول می‌کشد و در مدرسه‌های دولتی رایگان است. در همه دوره‌ها دختران و پسران به مدرسه‌های جداگانه می‌روند.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. دوره اول تحصیلی در ایران از چند سالگی شروع می‌شود؟  پنج سالگی  هفت سالگی
۲. کدام دوره یک سال طول می‌کشد؟  دوره راهنمایی  دوره پیش دانشگاهی
۳. کدام درس در دوره ابتدایی تدریس می‌شود؟  املا  حرفه و فن

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



در جای خالی از کلمه های «این»، «آن»، «اینها»، «آنها»، «اینجا»، و «آنجا» استفاده کنید



۱. من در ..... مدرسه درس می خوانم. .... معلم های خوبی دارد.



۲. قیمت ..... کتاب ها چقدر است؟



۳. من ..... در طبقه دوم ..... خانه زندگی می کنم.



۴. دانش آموزان پیش دانشگاهی هستند.



۵. شاگردان اول ..... مدرسه هستند.



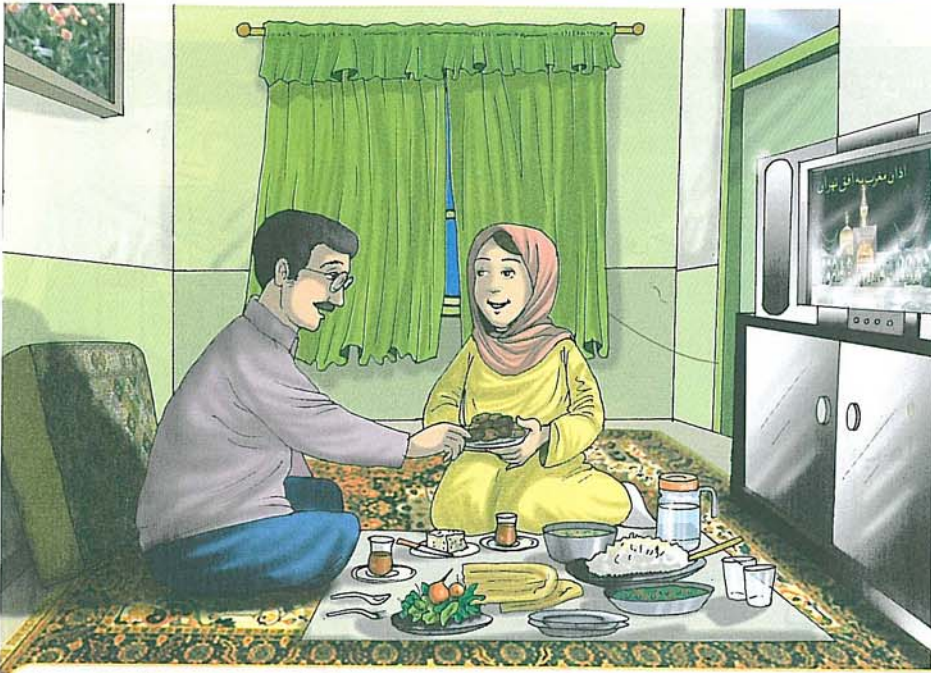
۶. نمره های نوبت اول من است.

با «گاه»، «ستان»، یا «خانه» کلمه جدید بسازید.

پ واژگان

مثال: دبیر دبیرستان

- |       |          |       |          |
|-------|----------|-------|----------|
| ..... | ۶. درمان | ..... | ۱. دانش  |
| ..... | ۷. کار   | ..... | ۲. کودک  |
| ..... | ۸. فرود  | ..... | ۳. قبر   |
| ..... | ۹. کتاب  | ..... | ۴. آموزش |
| ..... | ۱۰. ورزش | ..... | ۵. خواب  |



## روزه

امروز اولین روز ماه رمضان بود. نرگس و شوهرش علی هر ماه رمضان روزه می‌گیرند. امروز آنها قبل از اذان صبح بیدار شدند. آنها سحری خوردند. بعد مسواک زدند. ساعت پنج و نیم صبح صدای اذان از مسجد به گوش رسید. آنها وضو گرفتند و برای نماز به مسجد رفتند. آنها با سایر اهالی محله نماز خواندند. ساعت هفت صبح، هر دو عازم محل کار شدند. نرگس برای تدریس به دانشگاه رفت. علی به مطب خود رفت. نرگس ساعت چهار بعد از ظهر از دانشگاه برگشت. او سماور را روشن کرد و چای درست کرد. او برای افطار غذا درست کرد. علی هم ساعت پنج از مطب برگشت. آنها ساعت پنج و پانزده دقیقه سر سفره افطار نشستند. تلویزیون روشن بود و آنها صدای اذان مغرب را شنیدند. نرگس و علی بعد از افطار نماز و قرآن خواندند. آنها ساعت ده به رختخواب رفتند تا به موقع برای سحر بیدار شوند.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درستی مطالب

۱. نرگس و علی صدای اذان صبح را از کجا شنیدند؟  از تلویزیون  از مسجد
۲. نرگس و علی چه موقع به مسجد رفتند؟  بعد از افطار  بعد از سحر
۳. کدام یک پزشک است؟  نرگس  علی

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



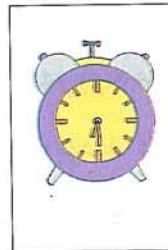


مثال: فرگس و شوهرش قبل از اذان صبح بیدار شدند.

۱. علی پیاده به محل کارش رفت.
۲. من افطار پدرم را به مغازه اش بردم.
۳. دیشب، من و پدرم به مسجد محله مان رفتیم.
۴. آقا رضا! آیا همه اهالی محله ات رامی شناسی؟
۵. روبرتو با چند مسلمان و خانواده شان آشنا است.
۶. لطفاً همه شما با خانواده هایتان در روز عید فطر به خانه ما بیایید.
۷. آزاده، تو و شوهرت را به افطار دعوت کرد.
۸. رضا با برادرش و آزاده با خواهر و مادرش به مسجد رفتند.



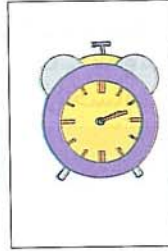
هفت و نیم



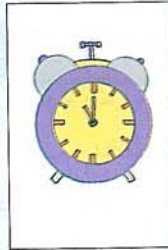
شش



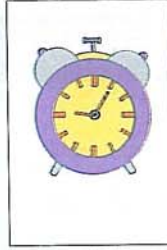
ده دقیقه به یازده



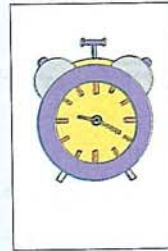
دو و دوازده دقیقه



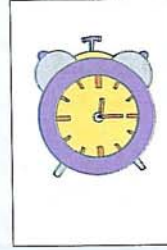
بیست و سه



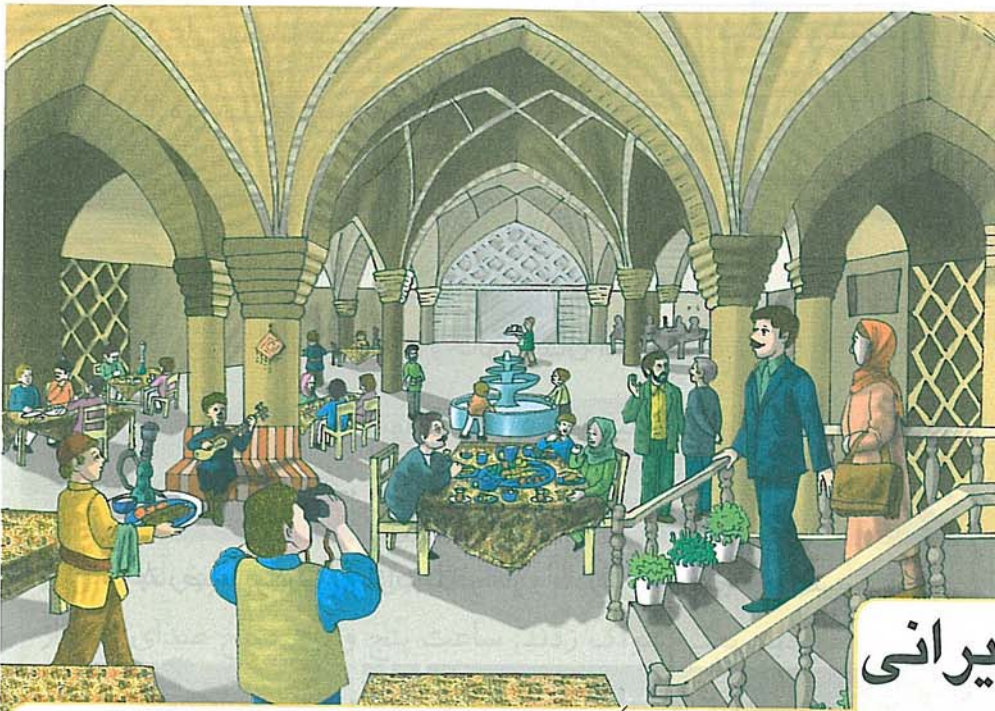
یک ربع به یک



نه و بیست دقیقه



دوازده و ربع



## رستورانِ ایرانی

مهدی و همسرش لیلا یک یا دو بار در ماه به رستوران می‌روند. آنها همیشه شبِ جمعه به رستوران می‌روند. آنها امشب به یک رستورانِ سنتیِ ایرانی رفتند. رستوران در مرکز شهر بود. مهدی و لیلا ساعتِ نه به رستوران رسیدند. رستوران خیلی شلوغ بود. خانواده‌های زیادی در رستوران بودند. در بین جمعیت، چند نفر خارجی هم بودند. بعضی از مشتری‌ها غذای خوردند. بعضی قلیان می‌کشیدند. بعضی چای می‌خوردند. صدای موسیقیِ ایرانی به گوش می‌رسید. نوازنده‌ای تار می‌نواخت. مهدی و لیلا کباب، سالاد، و دوغ سفارش دادند. غذا خیلی خوشمزه بود. مهدی و لیلا پس از غذا چای خوردند. مهدی پولِ غذا را حساب کرد. مهدی و لیلا حدود ساعتِ ده و نیم رستوران را ترک کردند، اما رستوران هنوز پر از مشتری بود.

در مربعِ درست علامتِ ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. مهدی و همسرش در رستوران چه کردند؟  
 قهوه خوردند       غذای سنتی خوردند
۲. بعضی از مشتری‌های رستوران به چه کاری مشغول بودند؟  
 کشیدن قلیان       نواختن موسیقی
۳. مهدی و لیلا چه موقع به رستوران رفتند؟  
 پنجشنبه شب       ساعت ۹ صبح

کدام شکل درست **د** و کدام یک نادرست **ن** است؟



کلمه‌های داخل پرانتز را به ترتیب درست در جای خالی قرار دهید.

**ب** دستور

۱. حسن (ساعت، دو) ..... وارد قهوه‌خانه شد.
۲. یکی از مشتری‌ها (سالاد، فصل) ..... سفارش داد.
۳. من (پول، کیف) ..... خود را در رستوران جا گذاشتم.
۴. خانواده‌های ایرانی هر روز (وعده، سه) ..... غذایی خورند.
۵. (تهران، شهر) ..... پر جمعیت است.
۶. در (پایتخت، ایران) ..... چندین رستوران سنتی است.
۷. (هتل، استقلال) ..... در شمال تهران واقع است.
۸. امروز پنجشنبه است، و ما فردا شب یعنی (شب، جمعه) ..... چند مهمان خارجی داریم.

در جای خالی از کلمه مناسب استفاده کنید.

**پ** واژگان

- |  |  |
|--|--|
| <p>سفارش<br/>صورت غذا<br/>پیشخدمت<br/>مشتری<br/>صندوقدار<br/>حساب<br/>صورتحساب<br/>انعام</p> | <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. غذای ایرانی برای ما آورد.</li> <li>۲. بقیه پول را به من پس داد.</li> <li>۳. یکی از ..... های رستوران کره‌ای بود.</li> <li>۴. نادر پول کافی برای پرداخت ..... غذا نداشت.</li> <li>۵. معصومه همیشه غذاهای ایرانی ..... می دهد.</li> <li>۶. من پول غذای دوستانم را ..... کردم.</li> <li>۷. در رستوران‌های ایرانی به ندرت ..... می دهند.</li> <li>۸. در ..... انواع سالاد دیده می شد.</li> </ol> |
|--|--|



## زیارت

اکثر ایرانی‌ها مسلمان شیعه هستند. شیعیان، دوازده امام یا پیشوا دارند. امام هشتم شیعیان امام رضا نام دارد. آرامگاه او در شهر مشهد در ایران است. هر سال میلیون‌ها نفر برای زیارت این امام به مشهد می‌روند. بسیاری از ایرانی‌ها بارها به مشهد رفته‌اند. آنها در آنجا زیارت می‌کنند و جاهای دیدنی شهر را می‌بینند. فردا سالگرد شهادت امام رضا است. علی با برادران و خواهرانش می‌خواهد امروز به سوی مشهد حرکت کند. علی تا کنون پنج بار برای زیارت به مشهد رفته است. آنها قرار است ظهر امروز با اتوبوس از شیراز به تهران بروند. فاصله شیراز تا تهران حدود دوازده ساعت است. آنها در تهران سوار قطار تهران-مشهد می‌شوند. فاصله تهران تا مشهد حدود سیزده ساعت است. آنها قرار است یک هفته در مشهد بمانند.

در مربع درست علامت ضربدر بگذارید.

الف درک مطلب

۱. آرامگاه چند امام در مشهد است؟

هشت امام       یک امام

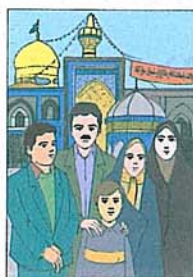
۲. علی و خواهران و برادرانش پس از ترک شیراز اول به کجا می‌روند؟

به تهران       به مشهد

۳. چرا علی و خواهران و برادرانش می‌خواهند فردا در مشهد باشند؟

برای زیارت       برای تماشای جاهای دیدنی

کدام شکل درست  د و کدام یک نادرست  ن است؟



ب دستور

گزینه درست را با علامت ضربدر مشخص کنید.

۱. حاجی‌ها قرار است تا روز جمعه از مکه .....  
 الف.  برگردند      ب.  برگشتند  
 ج.  برمی‌گردند
۲. خانواده ما هر سال برای زیارت به مشهد .....  
 الف.  برود      ب.  می‌رود  
 ج.  رفت
۳. ما می‌خواستیم جاهای دیدنی مشهد را .....  
 الف.  ببینیم      ب.  دیدیم  
 ج.  می‌دیدیم
۴. مهدی شاید تا هفته آینده در شهر زیارتی قم .....  
 الف.  بماند      ب.  خواهد ماند  
 ج.  می‌ماند
۵. مسافران سوغاتی‌های زیادی ..... و مشهد را ترک کردند.  
 الف.  بخرند      ب.  می‌خریدند  
 ج.  خریدند
۶. مسافران عرب تصمیم گرفتند که از جاهای دیدنی مشهد و قم عکس .....  
 الف.  بگیرند      ب.  می‌گرفتند  
 ج.  گرفتند

پ واژگان

شماره مربوط به هر شکل را در مربع بنویسید.

۱. ایستگاه قطار      ۲. زیارتگاه      ۳. بازار      ۴. موزه  
 ۵. فرودگاه      ۶. ایستگاه اتوبوس      ۷. آرامگاه      ۸. ترمینال اتوبوس



# واژه نامه

اداره	آشپزی	آب
اداری	آشنا	آب دادن
ادامه	آلمانی	آبان
ادبیات	آلوده	آبگرمکن
ادبیات فارسی	آماده	آبگوشت
اذان	آمبولانس	آبی
ارتباط	آمدن	آپارتمان
اردن	آموزش	آجری
اردنی	آن	آخر
اردیبهشت	آنتن	آخرین
اروپایی	آنجا	آذر
از	آنها	آرامگاه
از این رو	آوردن	آرنج
ازدواج	آینده	آزاد
اساس	آینه	آزادی
اسب سواری	ابتدا	آسانسور
استاد	ابتدایی	آسمان
استخر	ابرو	آسیا
استراحت	ابری	آش
استریو	اتاق	آشپز
استفاده	اتاق انتظار	آشپزخانه
استقبال	اتاق خواب	
استقلال	اتوبوس	
استکان	اتومبیل	
اسفند	اثاث	
اسکناس	اثر	
اسکی	اجازه	
اسلامی	اجاق گاز	
اسم	احترام	
اصلاً	احتیاج	
اطراف (ج. طرف)	احوال پرسى	
اطلاع	اخیر	

اطلاعات (ج. اطلاع)  
اعضا (ج. عضو)  
اعلام  
اعلان  
اغلب  
افتخار  
افراد (ج. فرد)  
افزودن  
افطار  
اقامت  
اکثر  
اکنون  
الآن  
اما  
امام  
امتحان  
امروز  
امسال  
امشب  
املا  
املت  
انباری  
انتخاب  
انتظار  
انجام  
انسان  
انشا  
انعام  
انقلاب  
انگشت  
انگلیسی  
انگور

انواع (ج. نوع)  
او  
اواسط (ج. وسط)  
اوقات (ج. وقت)  
اول  
اولین  
اهالی (ج. اهل)  
اهل  
ایران  
ایرانی  
ایستادن  
ایستگاه  
ایمان  
این  
با  
بادنجان  
باران  
باریدن  
باز  
بازار  
بازگشتن  
بازی  
باشگاه  
باغچه  
بانک  
ببخشید  
بچه  
بخش  
بر  
برادر  
برای  
بربری

برخی  
بردن  
برعکس  
برف  
برفی  
برگ  
برگزار  
برگشتن  
برگه  
برنامه  
برنج  
بزرگ  
بستری  
بستگان  
بسته  
بسکتبال  
بسیار  
بسیاری  
بطری  
بعد  
بعضی  
بفرمایید  
بقیه  
بلد  
بلند  
بلوز  
بنا  
بودن  
بوسیدن  
به  
بهار  
بهر

بهمن  
به ندرت  
بیا  
بیدار  
بیرون  
بیست  
بیست و پنج  
بیست و پنجم  
بیست و چهار  
بیست و دو  
بیشتر  
بیکار  
بیکاری  
بیمار  
بیمارستان  
بین  
بینی  
بیوه  
پا  
پارچ  
پارچه فروشی  
پارسال  
پارک  
پارکینگ  
پاسخ  
پاکت  
پاکستان  
پاک کردن  
پاک کن  
پالتو  
پایان  
پایتخت

تمبر  
تمدن  
تمرین  
تمیز  
تن  
تنبل  
تَنگ  
تَنگ  
تنها  
تنهایی  
تنیس  
توانستن  
تومان  
تهیه  
تئاتر  
تیر  
تیم  
ثابت نام  
جا  
جاروبرقی  
جاروزدن  
جارو کردن  
جدا  
جدا شدن  
جداگانه  
جدید  
جزء  
جشن  
جغرافیا  
جفت  
جلو  
جمع

تحویل  
تختخواب  
تخم مرغ  
تدریس  
ترازو  
ترجمه  
ترشی  
ترک  
ترم  
ترمینال  
تشکر  
تشنه  
تصادف  
تصمیم  
تعارف  
تعجب  
تعداد  
تعریف  
تعطیل  
تعطیلات (ج. تعطیل)  
تعلیمات اجتماعی  
تعلیمات دینی  
تفاوت  
تفریح  
تقریباً  
تقلّب  
تقویم  
تکلیف  
تلویزیون  
تماشا  
تماشا کردن  
تماشاگر

پوتین  
پوشاک  
پوشیدن  
پول  
پول خرد  
پهن  
پیاده  
پیچیده  
پیراهن  
پیست  
پیشانی  
پیشخدمت  
پیش دانشگاهی  
پیشنهاد  
پیشوا  
پیشوند  
پینگ پنگ  
تا  
تابستان  
تابستانی  
تابلو  
تار  
تاریخ  
تاریکی  
تازه  
تاکسی  
تالار  
تب  
تبریک  
تجدید  
تحصیل  
تحصیلی

پاییز  
پختن  
پدر  
پذیرایی  
پذیرایی کردن  
پر  
پرتقال  
پرچم  
پرداخت  
پرداخت کردن  
پرداختن  
پرده  
پرستار  
پرسش  
پرکار  
پرنده  
پرواز  
پزشک  
پزشک عمومی  
پس  
پس انداز  
پست  
پسر  
پسوند  
پشت  
پشت بام  
پشتی  
پل  
پلکان  
پنجشنبه  
پنج ماهه  
پنیر



خورشت	خامه	چهار	جمعه
خوش	خانوادگی	چهار صد	جمعیت
خوشحال	خانواده	چهارده	جمله
خوشمزه	خانه	چهارشنبه	جنس
خوشنویس	خانه دار	چهار صد	جنوب
خوشنویسی	خانه ساختن	چهارم	جوراب
خیابان	خاورمیانه	چیدن	جهان
خیار	خدا	چیز	جیب
خیلی	خداحافظی	چیزی	چانه
داخل	خرداد	حاجی	چای
دادن	خرما	حاضر	چایخانه
دارو	خروس	حافظ	چتر
داروخانه	خرید کردن	حامله	چرا
داشتن	خریدن	حتی	چسب مایع
داماد	خسته	حدود	چسب نواری
دامن	خصوصاً	حرف	چسباندن
دانستن	خط	حرف اضافه	چشم
دانش	خنک	حرفه ای	چگونه
دانش آموز	خواب	حرفه و فن	چمدان
دانشجو	خوابگاه	حرکت	چند
دانشگاه	خوابیدن	حساب	چند تا
دانه	خواربار	حضور	چندم
دایی	خواستن	حضور و غیاب	چندمین
دبیر	خواستگاری	حقوق	چندین
دبیرستان	خواندن	حل	چنگال
دختر	خواهر	حمام	چون
دخترخاله	خواهش	حوض	چه
در	خوب	حیات	چه کار
درخت	خود	حیوان	چه کاره
درس	خودنویس	خارجی	چه کسی
درست	خودکار	خاله	چه موقع
درمان	خوردن	خالی	چه وقت

زن	رنگی	دومین	درون
زنانه	رو	دونفره	دست
زن دایی	روبوسی	ده	دستشویی
زندگی	روبه رو	دی	دستکش
زن عمو	رودخانه	دیپلم	دستگاه
زنگ	روز	دیدار	دعوت
زیاد	روزانه	دیدن	دفتر
زیارت	روزه	دیدنی	دفترچه
زیارتگاه	روزی	دیروز	دقت
زیبا	روستا	دیشب	دقیقه
ژاپنی	روستایی	دیگر	دکتر
ساختمان	روسری	دیوار	دلخواه
ساختن	روسی	را	دل درد
ساعت	روسیه	رابطه	دلیل
ساعت دیواری	روشن	راحت	دم کردن
ساکن	رهبر	رادیوضبط	دنیا
سال	ریاضی	راضی	دو
سالاد	ریاضی فیزیک	راننده	دوازده
سالگرد	ریختن	راهنمایی	دو بار
سالگی	ریشه	رایج	دوباره
سالن	زانو	رایگان	دوچرخه
سالنامه	زایمان	ربع	دوختن
سال نو	زبان	رخت آویز	دور
سایر	زبان شناسی	رختخواب	دوره
سبز	زبان مادری	رستوران	دوست
سبزه	زخمی	رسیدن	دوش
سبزی	زدن	رشته	دوشنبه
سبزی پلو	زرشک پلو	رضایت	دوغ
سبزی فروشی	زرنگ	رفتن	دوقلو
سپس	زمان	رفت و آمد	دولت
سحری	زمستان	رمضان	دولتی
سخت	زمین	رنگ	دوم

طرز	شنا	سی	سرد
طلا	شنبه	سیب	سردرد
طلاق	شوهر	سیر	سرکه
طول	شوهر خاله	سیزده بدر	سرگرم
طولانی	شوهر عمه	سینما	سرگرمی
ظرف	شهادت	شاعر	سرما خوردگی
ظهر	شهر	شاغل	سرود
عازم	شهریور	شاگرد	سطل
عاشق	شیر	شام	سفارش
عاشورا	شیشه	شاید	سفر
عبارت	شیعه	شب	سفره
عجله	شیمی	شبيه	سفید
عده	صابون	شخصی	سگه
عراق	صاحب	شدن	سلام
عرب	صاحبخانه	شدید	سلامتی
عربستان	صاف	شرق	سماق
عربی	صبح	شرکت	سماور
عروس	صبحانه	شروع	سمنو
عروسی	صحبت	شستن	سنّتی
عسل	صد	شش	سنجد
عشق	صدا	شعر	سوار
عصر	صف	شغل	سؤال
عطر	صفت	شکر	سوپ
عقد	صمیمی	شکر	سوریه
عکس	صنایع دستی	شکم	سوغاتی
علاقه	صندوقدار	شکوفه	سوم
علاقه مند	صورت	شلوار	سومین
علوم (ج. علم)	صورت حساب	شلوغ	سوئد
علوم انسانی	صورت غذا	شما	سوئدی
علوم تجربی	ضرب المثل	شمال	سه
عمان	طبقه	شمردن	سه شنبه
عمل	طبیعت	شمع	سه و نیم

کدام	قوری	فکر	عمل جراحی
کراوات	قهرمان	فلسفه	عمو
کرایه	قهوه	فنجان	عمّه
کردن	قهوه خانه	فنی	عید فطر
کرم	قیافه	فوتبال	عید قربان
کره	قید	فوق لیسانس	عید نوروز
کره ای	قیمت	فهمیدن	عیدی
کس	کاپشن	فیزیک	غذا
کشاورز	کاخ	فیش حقوق	غذا پختن
کشاورزی کردن	کار	فیلم	غذا خوری
کشتی	کارت دانشجویی	قاره	غیر ضروری
کشور	کارخانه	قاشق	فارسی
کشیدن	کارد	قالی	فارغ التحصیل
کفش	کارگاه	قالی فروشی	فاصله
کفش فروشی	کارگر	قانونی	فاعل
کلاس	کارمند	قبر	فرانسوی
کلاه	کارنامه	قبل	فرانسه
کلمه	کاغذ	قبول	فردا
کم	کافی	قد	فرزند
کمد	کامپیوتر	قدیمی	فرستادن
کمر بند	کامل	قرار	فرستنده
کمک	کانادایی	قرار داشتن	فروختن
کمی	کاهو	قرآن	فرود
کنار	کیاب	قصابی	فرودگاه
کند	کبریت	قصد	فروردین
کنکور	کت	قصه	فروشگاه
کوبا	کتاب	قطار	فروشنده
کوبایی	کتاب فروشی	قله	فریزر
کوچک	کتری	قلیان	فصل
کودک	کتلت	قند	فعل
کوکو	کتیف	قندان	فعالاً
کولر	کجا	قورمه سبزی	فقط

مسافرت  
 مساوی  
 مستأجر  
 مسجد  
 مسلمان  
 مسواک  
 مسئله  
 مشتری  
 مشخصات (ج. مشخصه)  
 مشغول  
 مشکل  
 مشکی  
 مصر  
 مصری  
 مطالعه  
 مطب  
 معالجه  
 معاینه  
 معدّل  
 معلّم  
 معمولاً  
 معنی  
 مغازه  
 مغازه دار  
 مغرب  
 مقدار  
 مقدّس  
 مقنعه  
 مکاتبه  
 مکان  
 مکانیک  
 مکانیکی

مثل  
 مجرد  
 محل  
 محلّ کار  
 محله  
 مخالف  
 مختلف  
 مخصوص  
 مخصوصاً  
 مداد  
 مداد تراش  
 مدّت  
 مدرسه  
 مدرک  
 مدرک تحصیلی  
 مدیر  
 مراسم  
 مراقبت  
 مربّاً  
 مرتّب  
 مرخص  
 مرد  
 مرداد  
 مردم  
 مردود  
 مرده  
 مرسی  
 مرغ  
 مرکز  
 مزرعه  
 مسابقه  
 مسافر

لحظه  
 لذّت  
 لغت  
 لوازم (ج. لازم)  
 لوازم التحریر  
 لوازم بهداشتی  
 لیسانس  
 لیوان  
 ما  
 مادر  
 مادر بزرگ  
 مادرزن  
 مادّه  
 ماست  
 ماشین  
 ماشین لباسشویی  
 ماکارونی  
 مال  
 مالزی  
 مالزیایی  
 مأمور  
 مانتو  
 مانند  
 ماه  
 ماهی  
 ماهی قرمز  
 ماهیانه  
 مایل  
 مبعث  
 مبل  
 متأهل  
 مثال

کوله پشتی  
 کوه  
 کوهستان  
 کوهنوردی  
 کهنه  
 کیف  
 کیک  
 کیلو  
 گاو  
 گاهی  
 گذاشتن  
 گذرنامه  
 گذشته  
 گردن  
 گرسنه  
 گرفتن  
 گرم  
 گشاد  
 گل  
 گلاب  
 گلدان  
 گندم  
 گوجه  
 گوش  
 گوشت  
 گوشت قرمز  
 گیرنده  
 لاغر  
 لباس  
 لباس پوشیدن  
 لباس شستن  
 لبنان

هفت سین	نهایی	نام	ملاقات
هفت و نیم	نیم	نام خانوادگی	ملّی
هفته	نیمسال	نامزد	من
هم	نیمکت	نامه	مناسب
همراه	نیمه شب	نامه رسان	منتظر
همسایگی	و	نان	منزل
همسایه	وارد	نانوایی	منشی
همسر	وارد شدن	ناهار	منطقه
همکار	واقع	نایلون	مو
همکلاس	والدین	ندرت	موافق
همکلاسی	والیبال	نزدیک	موتور
همه	وجود	نسبتاً	مورد
همه جا	ورزش	نسخه	موزه
همیشه	ورزشگاه	نشان	موسیقی
همین	ورزشی	نشانی	موقّق
هند	ورود	نشستن	موقّیّت
هندوستان	وزن	نظافت	موقع
هنر	وسایل (ج. وسیله)	نعلبکی	مهارت
هنرستان	وضو	نفر	مهر
هنرمند	وعده	نقاشی	مهربان
هنگام	وقت	نقشه	مهم
هنوز	ویدئو	نگهداری	مهمان
هوا	هال	نماز	مهمانی
هوایما	هتل	نمره	مهندس
هویج	هجده	نمکدان	میدان
هیچ وقت	هدیه	نو	میز
یاد	هر	نواختن	میشی
یازده	هرگز	نوازنده	میل
یخچال	هزار	نوبت	میلیون
یعنی	هشت	نوروز	میوه
یک	هشتم	نوشابه	میوه خوری
یکدیگر	هشت و نیم	نوشتن	میوه فروشی
یکشنبه	هفت	نویسنده	نازک
یکی			

# پاسخنامه

## درس ۱

(الف)	۱- (ب)	۲- (الف)	۳- (ب)	۴- (د)	۵- (ن)	۶- (د)
(ب)	۱- از ۵- در	۲- در ۶- از- در	۳- از ۷- از- به	۴- با- به		
(پ)	۱- ایران- ایرانی- ایرانی ها ۳- هند- هند- هندی ۵- فرانسه- فرانسوی/ فرانسه- فرانسوی ۷- مصری- مصر- مصری			۲- اردنی- اردن- اردنی ۴- لبنان- لبنانی- لبنانی ۶- مالزیایی- مالزی- مالزیایی ۸- کوبا- کوبایی- کوبایی		

## درس ۲

(الف)	۱- (الف)	۲- (الف)	۳- (ب)	۴- (ن)	۵- (ن)	۶- (ن)
(ب)	۱- ... زندگی می کنند. ۴- ... می شوید.			۲- ... استراحت می کنم. ۵- ... دوش می گیری.		۳- ... دارید. ۶- ... داریم.
(پ)	(۳) پارکینگ (۱) پلکان (۴) آسانسور		(۲) پشت بام (۵) کولر (۸) انباری	(۷) زنگ (۶) آنتن		

## درس ۳

(الف)	۱- (ب)	۲- (الف)	۳- (الف)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- چشم های آبی ۵- علاقه شدید		۲- دختر زیبا ۶- ابروی نازک		۳- بچه های دوقلو ۷- وزن زیاد	۴- چانه بلند ۸- صورت لاغر
(پ)	۱- بینی ۷- شکم ۱۳- انگشت پا	۲- مو ۸- زانو ۱۴- پیشانی	۳- گوش ۹- آرنج	۴- پا ۱۰- دست	۵- انگشت دست ۱۱- چشم	۶- گردن ۱۲- ابرو



### درس ۴

(الف)	۱- (ب)	۲- (الف)	۳- (ب)	۴- (د)	۵- (ن)	۶- (د)
(ب)	۱- همیشه	۲- گاهی	۳- اغلب	۴- هرگز	۵- به ندرت	
(پ)	۱- من هر شب مسواک می زنم.	۲- من مسئله ها را حل می کنم.	۳- من تکلیف های کلاسی را انجام می دهم.	۴- من سر کلاس حاضر می شوم.	۵- من ساعت ده شب به رختخواب می روم.	۶- من تا ساعت ده شب بیدار می مانم.
	۵- من به معلم احترام می گذارم.	۷- من در کلاس از معلم اجازه می گیرم.				

### درس ۵

(الف)	۱- (ب)	۲- (ب)	۳- (الف)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- بود	۲- هستند	۳- هستی	۴- بودم	۵- بودیم	
(پ)	۱- عید نوروز	۲- عید قربان	۳- سالگرد انقلاب اسلامی	۴- روز مادر	۵- روز مبعث	۶- روز دانشجو
	۴- سیزده بدر	۵- روز پدر	۷- عاشورا	۸- روز دانشجو		

### درس ۶

(الف)	۱- (ب)	۲- (ب)	۳- (الف)	۴- (د)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- دیدن	۲- پختن	۳- رفتن	۴- رفتن	۵- رفتن	۶- رفتن
(پ)	۱- (۳)، ۲- (۲)	۳- (۱)، ۴- (۳)	۵- (۱)، ۶- (۱۰)	۷- (۹)	۸- (۶)، (۱۲)، (۸)	۹- (۷)
	۴- (۱۱)، (۵)					

## درس ۷

(الف) (الف) -۱ (ب) -۲ (الف) -۳ (ن) -۴ (د) -۵ (د) -۶۰

(ب) ۱- کفش ۲- روسری‌ها ۳- کاپشن‌ها ۴- دامن  
۵- پرتقال ۶- فروشگاه ۷- دانشگاه‌ها ۸- لباس

(پ) ۱- کت، شلوار، کمر بند ۲- مانتو، مقنعه  
۳- کاپشن، پالتو ۴- دستکش  
۵- پیراهن ۶- جوراب، بلوز  
۷- کفش، روسری ۸- کراوات، کلاه

## درس ۸

(الف) (الف) -۱ (ب) -۲ (الف) -۳ (ن) -۴ (ن) -۵ (ن) -۶

(ب) ۱- او ۲- او ۳- ما ۴- آنها  
۵- آنها ۶- آن ۷- شما ۸- آنها

(پ) ۵- ۷  
۲- ۸  
۱- ۳  
۴- ۶

## درس ۹

(الف) (الف) -۱ (الف) -۲ (ب) -۳ (ن) -۴ (د) -۵ (ن) -۶

(ب) ۱- مهمان‌ها از صاحبخانه تشکر کردند. ۲- من و خواهرم در یک هتل بزرگ کار می‌کنیم.  
۳- تو و رضا در امتحان رد شدید. ۴- من با ماشین شخصی مسافرت می‌کنم.  
۵- مدیر کارخانه درباره حقوق کارگران صحبت کرد.

(پ) ۱- چای دم کردن ۲- سفره پهن کردن ۳- غذاپختن  
۴- به گل‌ها آب دادن ۵- جاروکردن ۶- از مهمان پذیرایی کردن

### درس ۱۰

(الف)	۱- (الف)	۲- (ب)	۳- (ب)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- را	۲- _____	۳- را	۴- _____		
	۵- را	۶- _____	۷- را	۸- _____		
(پ)	نمکدان - قاشق - چنگال - پارچ - لیوان - نوشابه					

### درس ۱۱

(الف)	۱- (ب)	۲- (ب)	۳- (الف)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- آنها در آشپزخانه هستند.	۲- آبگوشت غذای ایرانی است.	۳- ما مهمان آنها بودیم.	۴- آش خیلی گرم بود.	۵- تو تشنه و گرسنه بودی.	
	۳- این خانه مال من است.	۴- غذای شما خوشمزه بود.	۵- همه شما ایرانی هستید.			
(پ)	۱- ۱)	۲- ۳)	۳- ۸) ۹) ۱۰) ۱۱)	۴- ۷)	۵- ۴)	۶- ۷)
	۵- ۲)	۶- ۱۲) ۱۳)				

### درس ۱۲

(الف)	۱- (الف)	۲- (الف)	۳- (ب)	۴- (ن)	۵ (ن)	۶- (د)
(ب)	۱- دوم	۲- چهار	۳- هشت	۴- ده		
	۵- بیست و پنج	۶- اول	۷- سوم	۸- یازده		
(پ)	۱- ۵)	۲- ۸)	۳- ۴)	۴- ۶)	۵- ۳)	۶- ۸)
	۵- ۷)	۶- ۱)	۷- ۲)			

### درس ۱۳

(الف) ۱- (ب) ۲- (الف) ۳- (الف) ۴- (ن) ۵- (ن) ۶- (ن)

(ب) است - است - است - دارد - دارد - است - دارد

(پ) ۱- ۳۰ دی ۲- اول فروردین ۱۳۸۲ ۳- ۲۳ آبان ۴- ۱۳۸۲/۱/۱ ۵- پانزدهم اسفند ۱۳۸۱  
۶- اول مهر ۱۳۸۱ ۷- ۲۲ بهمن

### درس ۱۴

(الف) ۱- (الف) ۲- (الف) ۳- (ب) ۴- (ن) ۵- (د) ۶- (د)

(ب) ۱- با ۲- به ۳- در ۴- تا ۵- از ۶- از ۷- تا ۸- از

(پ) ۴- ۳- ۱- ۲- ۶- ۷  
۹- ۸- ۱- ۲- ۱۰- ۵

### درس ۱۵

(الف) ۱- (ب) ۲- (ب) ۳- (ب) ۴- (ن) ۵- (د) ۶- (د)

(ب) ۱- است ۲- کردند ۳- دارند ۴- شد ۵- گرفت ۶- است ۷- شدند ۸- می کند

(پ) ۱- (ه) ۲- (د) ۳- (ن) ۴- (ج) ۵- (الف) ۶- (و) ۷- (ح) ۸- (ب)

## درس ۱۶

(الف)	۱- (الف)	۲- (ب)	۳- (الف)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (د)
(ب)	۱- ش ۵- مان	۲- یتان ۶- ام	۳- مان ۷- ات	۴- یش ۸- م		
(پ)	۱- قاره ۵- روستا	۲- استان ۶- خلیج	۳- دریای- اقیانوس ۷- دریاچه	۴- همسایه ۸- خاورمیانه		

## درس ۱۷

(الف)	۱- (ب)	۲- (الف)	۳- (ب)	۴- (د)	۵- (ن)	۶- (ن)
(ب)	۱- رفتن ۵- پختن- پخت	۲- گرفتن ۶- ساختن- ساخت	۳- دیدن ۷- پرداختن- پرداخت	۴- خریدن- خرید ۸- فروختن		
(پ)	۱- سگه ۵- اسکناس	۲- کیف پول ۶- پس انداز	۳- پول خرد ۷- بسته	۴- حقوق ۸- ریال		

## درس ۱۸

(الف)	۱- (ب)	۲- (ب)	۳- (ب)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- خانواده های ایرانی با یکدیگر رفت و آمد می کنند. ۳- مریم با پدربزرگ و مادربزرگش روبوسی کرد. ۵- در پایان مهمانی، آنها از یکدیگر جدا شدند. ۷- تعطیلات عید به ما خوش گذشت.	۲- نوروز یکی از عیدهای ایرانی است. ۴- همسایه ها سال نو را به یکدیگر تبریک گفتند. ۶- بچه ها با والدین خود به مهمانی رفتند.				
(پ)	۶) سمنو ۹) سرکه	۸) گلاب ۴) آینه	۲) قرآن ۱) شمع	۳) سبزه ۷) تخم مرغ	۵) سفره ۱۰) تنگ ماهی	

## درس ۱۹

(الف)	۱- (ب)	۲- (الف)	۳- (الف)	۴- (د)	۵- (ن)	۶- (ن)
(ب)	۱- به	۲- را	۳- را	۴- را		
	۵- به	۶- به	۷- به	۸- را		
(پ)	۱- شنا	۲- اسب سواری	۳- اسکی	۴- فوتبال	۵- پینگ پنگ	
	۶- بسکتبال	۷- دو	۸- تنیس	۹- کشتی	۱۰- والیبال	

## درس ۲۰

(الف)	۱- (الف)	۲- (ب)	۳- (ب)	۴- (د)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- (۱) (۲)	۲- (۱) (۲) (۳)	۳- (۱) (۲) (۳) (۴)	۴- (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸)		
	۵- (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷)	۶- (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸)				
(پ)	پل - هتل - چایخانه - مسجد - کاخ					
	میدان - آرامگاه - حمام - موزه - رستوران					

## درس ۲۱

(الف)	۱- (ب)	۲- (ب)	۳- (الف)	۴- (د)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- کجا	۲- چند	۳- چه	۴- چه		
	۵- کدام	۶- چه	۷- چند	۸- چه		
(پ)	۱- (الف)	۲- (د)	۳- (ن)	۴- (ج)		
	۵- (ح)	۶- (ب)	۷- (ه)	۸- (و)		

### درس ۲۲

(الف)	۱- (الف)	۲- (ب)	۳- (ب)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (د)
(ب)	۱- (۴) (۳) (۱) (۲)	۲- (۳) (۴) (۲) (۱)	۳- (۱) (۲) (۳) (۴)	۴- (۳) (۱) (۲) (۴)	۵- (۲) (۳) (۱) (۴)	۶- (۴) (۲) (۱) (۳)
(پ)	۱- حرف	۲- پیشوند	۳- قید	۴- ضرب المثل	۵- فاعل	۶- فعل

### درس ۲۳

(الف)	۱- (الف)	۲- (ب)	۳- (ب)	۴- (د)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- _____	۲- آنها	۳- آنها	۴- همه	۵- _____	۶- _____
(پ)	املا	ریاضی	علوم	انشا	تعلیمات دینی	جغرافیا
	قرآن	تاریخ	ورزش	میریم		

### درس ۲۴

(الف)	۱- (ب)	۲- (ب)	۳- (ب)	۴- (د)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- چسبید	۲- رساند	۳- برد	۴- آورد	۵- _____	۶- _____
(پ)	تمبر	چسب مایع	خودنویس	نامه	عکس	پاکت نامه
						پاک کن

### درس ۲۵

(الف)	۱- (ب)	۲- (الف)	۳- (الف)	۴- (د)	۵- (ن)	۶- (د)
(ب)	۱- (الف)	۲- (الف)	۳- (ب)	۴- (ب)		
	۵- (الف)	۶- (الف)	۷- (ب)	۸- (الف)		
(پ)	پرداخت کردن در صفا ایستادن	کشاورزی کردن جارو زد	لباس پوشیدن نان پختن	لباس شستن خانه ساختن	پذیرایی کردن خرید کردن	

### درس ۲۶

(الف)	۱- (الف)	۲- (الف)	۳- (ب)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- (ن)	۲- (د)	۳- (د)	۴- (ن)		
	۵- (ن)	۶- (د)	۷- (ن)	۸- (د)		
(پ)	فروشگاه لوازم التحریر فروشگاه لوازم بهداشتی	روزنامه فروشی قالی فروشی	نانوایی قصّابی	فروشگاه صنایع دستی داروخانه		

### درس ۲۷

(الف)	۱- (ب)	۲- (ب)	۳- (الف)	۴- (د)	۵- (ن)	۶- (ن)
(ب)	۱- این- اینجا ۴- اینها	۲- آن ۵- آنها، این	۳- آنجا- آن ۶- اینها			
(پ)	۱- دانشگاه ۶- درمانگاه	۲- کودکستان ۷- کارگاه/کارخانه	۳- قبرستان ۸- فرودگاه	۴- آموزشگاه ۹- کتابخانه	۵- خوابگاه ۱۰- ورزشگاه	



درس ۲۸

(الف)	۱- (ب)	۲- (ب)	۳- (ب)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (ن)
(ب)	۱- علی- ش ۵- چند مسلمان- شان	۲- پدرم- اش ۶- شما- یتان	۳- من و برادرم- مان ۷- تو- ت	۴- رضا- ات ۸- رضا- ش، آزاده- ش		
(پ)	(ن) (د) (ن) (د)					

درس ۲۹

(الف)	۱- (ب)	۲- (الف)	۳- (الف)	۴- (د)	۵- (ن)	۶- (ن)
(ب)	۱- ساعت دو ۵- شهر تهران	۲- سالاد فصل ۶- پایتخت ایران	۳- کیف پول ۷- هتل استقلال	۴- سه وعده ۸- جمعه شب		
(پ)	۱- پیشخدمت ۵- سفارش	۲- صندوقدار ۶- حساب	۳- مشتری ۷- انعام	۴- صورتحساب ۵- صورت غذا		

درس ۳۰

(الف)	۱- (ب)	۲- (الف)	۳- (الف)	۴- (ن)	۵- (د)	۶- (د)
(ب)	۱- (الف) ۴- (الف)	۲- (ب) ۵- (ج)	۳- (الف) ۶- (الف)			
(پ)	آرامگاه ایستگاه قطار	موزه زیارتگاه	ترمینال اتوبوس فرودگاه	بازار ایستگاه اتوبوس		

Teaching Persian to Speakers of Other Languages



Iran Language Institute

Elementary

# Reading

Zia Tajeddin



ISBN 964-7747-87-X



9 789647 747875